

روشهای کاربردی غلبه بر
وسوسه های جنسی

اصول نجابت

زندگی الگورن

آزمینه سرکیسیان

اصول نجات

نویسنده: رندی آلورن

THE PURITY PRINCIPLE

Originally published in English under the title:

The Purity Principle by Randy Alcorn

Copyright © 2003 by Eternal Perspective Ministries

Published by Multnomah Books

an imprint of The Crown Publishing Group

a division of Penguin Random House LLC

10807 New Allegiance Drive, Suite 500

Colorado Springs, Colorado 80921 USA

International rights contracted through Gospel Literature International

P.O. Box 4060, Ontario, California 91761 USA

This translation published by arrangement with

Multnomah Books, an imprint of The Crown Publishing Group,

a division of Penguin Random House LLC

Farsi edition ©2017 Rahe Masih Publications

فهرست

۲	تحسین ها
۵	فصل اول - پشت کردن به آنچه می توانست باشد
۱۲	فصل دوم - خودشیفتگی آشکار
۲۳	فصل سوم - چرا روابط جنسی اهمیت دارد
۳۱	فصل چهارم - نشانه گذاری شده و آسیب پذیر
۴۰	فصل پنجم - جنگ در ذهن شماست
۵۳	فصل ششم - استراتژی خرد مندانه
۶۴	فصل هفتم - به طور افراطی عمل نمودن
۷۵	فصل هشتم - رهنمود هایی برای افراد مجرد
۸۰	فصل نهم - راهنمایی برای زوج ها و والدین
۸۹	فصل دهم - اعتراف، جوابگوئی و سنجش بها
۹۶	سخن آخر
۹۹	سئوال آخر
۱۰۰	درباره نویسنده

تحسین ها

کتاب اصول نجابت به طور واضح دربارهٔ فواید حفظ نجابت و پاکدامنی و مضرات عدم نجابت در زندگی فرد سخن می گوید. رندی الکورن به ما کمک می کند تا بتوانیم به پاکی و نجابت دست یافته و پاک بمانیم.

-دنیس دینلی، مدیر برنامه رادیویی فامیلی لایف

این کتاب کوچک اما قدرتمند است. رندی الکورن در این کتاب جذابیت گناهان جنسی را از بین برده و به ما نشان می دهد که نجابت و پاکدامنی هزاران بار بهتر است.

-جاشوا هریس نویسندهٔ کتاب BOY MEETS GIRL

کتاب اصول نجابت به ما خط زندگی را ارائه می دهد و به ما کمک می کند که در مسیر تجربه زندگی سرشار از پاکی و نجابت را تجربه نمائیم. بیان کتاب را بخوانید و آن را در اختیار همسر، فرزندان و دوستان قرار دهید و مطمئن باشید این کتاب باعث برکت آن ها نیز خواهد بود.

-دکتر گری بادیارا روزبرگ نویسندهٔ کتاب DIVORCE-PROOF YOUR MARRIAGE

رندی الکورن با قلب یک شبان و صراحت یک نبی با جدیت دربارهٔ آن دسته از انتخاب های ما که میتواند ما را به سوی سقوط اخلاقی هدایت کند هشدار می دهد. او به جای آن با تعلیم کتاب مقدسی مشورت های کاربردی ما را به سوی آزادی اخلاقی، برکت و شادی عظیمی در زندگی هدایت می نماید.

-تنسی لامی دموس، مجری برنامه و نویسندهٔ کتاب LIES WOMEN BELIEVE

تقدیم به برادران و خواهرانم در مسیح که در او و با او پیروز
گشته اند و از لذت های کوتاه و زود گذر و فریبنده روی
گردانده اند تا بتوانند شادمانه لذتی که عظیم تر و واقعی تر است
را در زندگی خود تجربه کنند.

«تو راه حیات را به من خواهی آموخت؛ در حضور تو کمال
شادی است، و به دست راست تو لذتها
تا ابد آباد.» (مزمور 16: 11)

قدردانی

می خواهم به کمک های بی دریغ و مهم دوست و ویراستار این کتاب لری لیبی اشاره کنم . او آنچه من نوشته بودم را برداشته و آنچه اکنون در این صفحات می خوانید چکیده نوشته های من و آن مطالبی است که او به من در انتخابشان کمک نموده است. کاربرد آیه 2 : 8 از کتاب یونس در مورد موضوع این کتاب به ذهن او رسیده بود. خود من هرگز فکر نکرده بودم که این آیه به عدم پاکی جنسی اشاره می کند.

فصل اول

پشت کردن به آنچه که می توانست باشد.

اریک سراسیمه وارد دفترم شد و به سرعت بر صندلی نشست و گفت: "من از دست خدا عصبانیم!"

اریک در یک کلیسای قدرتمندی رشد یافته بود و سپس با یک خواهر ایماندار ازدواج کرده بود ولی حالا او تبدیل به نماد یک انسان بدبخت به معنی خاص کلمه گشته بود.

"خیلی خوب ... چرا از خدا عصبانی هستی؟"
گفت: "چون هفته گذشته مرتکب زنا شدم."

با مکشی طولانی نهایتاً گفتم: "می فهمم که چرا خدا باید از تو عصبانی باشه. اما چرا تو از خدا عصبانی هستی؟" اریک توضیح داد که برای ماه ها احساسی متقابل بین او و همکارش حس کرده بود. او با جدیت دعا کرده بود تا خدا او را از گناه (بی عفتی) دور نگاه دارد. از اریک پرسیدم: "آیا از همسرت خواستی که برای تو دعا کند؟ آیا از آن زن دوری کردی؟"

"خوب ... نه! تقریباً هر روز برای ناهار بیرون می رفتیم."

به آرامی شروع به حل دادن کتابی حجیم بر لبه میز کردم. اریک هم بدون اینکه متوجه باشد دارد چه اتفاقی می افتد فقط تماشا گر این صحنه بود. همین طور که کتاب به لبه میز نزدیک می شد، بلند دعا کردم، "خدایا! لطفاً نگذار این کتاب بیافتد!" به

حل دادن کتاب و دعا نمودن ادامه دادم. خدا قانون جاذبه زمین را از کار نیانداخت و کتاب از لبه میز افتاد. به اریک گفتم: "من از خدا عصبانی ام! از او خواستم اجازه ندهد کتابم بیافتد ... اما او نا امیدم کرد!"

انتخاب هایی که ما را نابود می کنند.

تا امروز هنوز می توانم صدای افتادن آن کتاب به زمین را به یاد بیاورم که تصویری از زندگی اریک بود. جوان، با استعداد و مبارک به خاطر همسر و فرزند دخترش. اریک قابلیت های بسیاری داشت. اما داستان اریک آن روز تمام نشد. او کم کم از لحاظ جنسی تبدیل به یک متجاوز شد و بالاخره روزی به دخترش تجاوز کرد. الان سالهاست که در زندان است. توبه کرده اما جریمه کشاندن زندگی اش به لبه پرتگاه و سپردن آن به جاذبه را پرداخت می کند.

چقدر از ما مسیحیان امید داریم که خدا ما را از مصیبت و بدبختی حفظ کند، در حالی که هر روز تصمیماتی بی اهمیت و غیر اخلاقی می گیریم که می توانند ما را به آرامی به سمت بی اخلاقی های جدی تری سوق دهند. (نظر سنجی که در Promise Keepers انجام شد نشان می دهد که نیمی از 1500 مرد شرکت کننده در این نظر سنجی در هفته گذشته به نوعی با موضوع پورنگرافی ارتباط داشته اند.)

تیفانی و کایل هم از کودکی در کلیسا بزرگ شده اند. وقتی مسئول جوانان در مورد رابطه جنسی قبل از ازدواج هشدار می داد آنها آن را جدی نگرفتند. فیلم ها، تلویزیون و موزیکی که آن ها گوش می کردند آن ها را به داشتن رابطه جنسی ترغیب می کرد. شبی بعد از جلسه جوانان، تیفانی تسلیم کایل شد. این تجربه دردناک و تهوع آور بود! اصلاً شبیه فیلم ها نبود. بعد از آن تیفانی احساس وحشتناکی داشت. کایل از تیفانی عصبانی بود چون فکر می کرد تیفانی نباید اجازه می داد که این اتفاق رخ دهد.

بعد از آن تجربه تیفانی تسلیم پسران بیشتری شد با این فکر که بتواند شخت مورد علاقه خود را پیدا کند که هیچ وقت هم پیدا نکرد. پسر ها یکی پس از دیگری از او سواستفاده کردند و به راه خود رفتند. دیگر کلیسا هم نمی آمد و روزی متوجه شد که باردار است. دوستی او را به کلینیک سقط جنین رساند. حالا رویای کودکی که کشت نیز او را رها نمی کرد.

تیفانی می توانست به سوی مسیح برگردد چون عیسی او را می بخشید. اما قلب او شکسته و بسته شده بود و ایمان داشت که می تواند به سوی مسیح بازگشت کند. تیفانی اقدام به خودکشی کرد اما موفق نشد. حالا معتاد به مواد مخدر است و یک فاحشه خیابانی است. باری دیگر به او تجاوز شد و همین او خز جنین دیگری را سقط کرد. مرگ در چشمان او دیده می شود و امیدی در او یافت نمی شود. اما درباره کایل. او حالا علاقه ای به مسائل روحانی ندارد. دانشجو است و تفکرات الحادی دارد. با دختران مختلفی ارتباط جنسی دارد و حس

پوچی او را رها نمی کند و هر چه به او احساس شادی دهد را تجربه می کند.

لوسیندا، خواهری ایماندار است. روزی به این نتیجه رسید که همسرش دیگر رمانتیک نیست. مردی شرافتمند، سخت کوش و اهل کلیسا که تلاشی برای شبیه شدن به هنر پیشه های هالیوودی ندارد. لوسیندا با مردی دیگری وارد رابطه شد و نهایتاً با او ازدواج کرد. او خود و خانواده اش را با غمی بی مانند رو به رو کرد. سال ها بعد لوسیندا نزد مسیح این گونه اعتراف کرد که: " کاش می توانستم همسر اولم را برگردانم، اما می دانم که حالا خیلی دیر است!" بله؛ خداوند لوسیندا را بخشیده و هنوز برای او برنامه ها دارد ولی او بهای هولناکی را پرداخت.

یونس نبی در شکم ماهی بزرگ، در دریای مدیترانه وضعیت خود را بررسی کرد و به این نتیجه رسید که: " آنان که بتهای بی ارزش را عبادت می کنند، وفاداری خویش را ترک می گویند." (یونس 2: 8)

بُت چیزی بیشتر از مجسمه ای خنده دار با لبانی بزرگ و شکمی برجسته است. بُت جایگزینی برای خداوند است. هر چیزی که ارزش بیشتری نسبت به خدا به خود بگیرد زیرا تکیه ما بر چنین بت هایی نوعی معامله است، رفتار جنسی ما نشان می دهد که چه چیزی بر زندگی ما فرمان می راند. (رومیان 1: 18-29). گناهان جنسی همانند بت پرستی است چون امیال ما جای خداوند را می گیرد.

کسانی که از خدا رو بر می گردانند تا جایگزین او را در آغوش گیرند فرصت بزرگی را از دست می دهند. چرا؟ چون آن ها خلق شده اند تا شادی را در خداوند بیابند نه در جایگزین او. آن ها حضور خدا و برکات آینده را با چیزی که فوراً قابل چشیدن، دیدن و حس کردن است معاوضه می کنند. اما آن جایگزین هرگز آن ها را ارضاً نخواهد کرد. من بارها مرتکب چنین کاری شده ام. شما چطور؟ کم یا زیاد، هر گناهکاری آنچه را که دارد و می تواند داشته باشد را با دروغی معاوضه می کند. بعضی اوقات دروغ بزرگتر می شود و احتمال خطر بیشتر می شود. ما زندگی خود را به سمت نابودی سوق می دهیم. برای داشتن افزایش هورمون هایی لحظه ای، و واقعی کردن خیالاتمان آینده خود را به حراج می گذاریم. این معامله ای وحشتناک است. معامله ای با شیطان، که هرگز روی حرف خود نمی ماند.

هر روز زنان و مردان مسیحی بسیاری برای تحریک جنسی موقت خود، خوشبختی آینده را رها می کنند. مثل معتادان از موادی به موادی دیگر و از دوزی به دوزی بیشتر پناه می بریم. رضایت زندگی صالحانه (Righteous) را با فرصت های زود گذر معاوضه می کنیم که همیشه ما را تهی تر و حریص تر رها می کنند. اریک چنین کاری کرد. او زنی که به او عشق می ورزید، دختری که پدرش را دوست داشت و به رابطه خود با دوستان و خانواده، همکاران و کلیسا پشت کرد. او راه رفتن با عیسی را ترک کرد و در آخر آزادیش را رها کرد.

با هر نگاه که هوسمان را شعله ور تر می سازد ما خود را به لبه پرتگاه نزدیک تر می کنیم و طبیعتاً نیروی جاذبه کنترل امور را در دست می گیرد و همه زندگیمان نابود می شود. ولی ما چه چیزی را از دست می دهیم؟ چه چیزی را ترک می کنیم که متعلق به ما بود یا می توانست مال ما باشد؟

امروز وضعیت تیفانی چگونه بود اگر او خود را پاک نگاه می داشت؟ به جای این که فاحشه ای باشد و تجاوز و سقط چون سایه ای او را دنبال کنند، تیفانی می توانست برای عیسی بدرخشد. در کمپ کالج ها برای مسیح بسراید و سرشار از شادی و امید باشد. کایل هم همین طور! فقط اگر...

لوسیندا چطور؟ لوسیندا هم آنچه که به او تعلق داشت یا می توانست مال او باشد را رها کرد. چه کسی می داند که فیض خدا چه چیزی را برای او تدارک دیده بود. وجدانی راحت و آرامشی ذی قیمت؟ عمری طویل با محیطی گرم؟ احترام و عشق به فرزندان و نوه ها؟ زنی شکیبا که می توانست الگوی شکیبایی گردد؟ خدمتی که می توانست هزاران انسان را تحت تأثیر قرار دهد؟ پاداشی دور از تصور در زندگی آینده؟ بله ، خداوند تمامی این موارد را بخشیده است. به طور کامل! اما عواقب تصمیمات او بر جای می ماند.

بعضی از خواننده های این کتاب، از همین عواقب آزار دیده اند و مایوس و شکست خورده هستند. بعضی از افراد نجابت (عفت) خود را تسلیم کرده اند. بعضی حتی تلاش هم نکرده اند. ما باید دور اندیش باشیم و بدانیم که انتخاب های امروز چه آینده ای را برای ما رقم خواهند زد.

بعضی از فرصت‌ها، زمانی که از دست رفتند دیگر نمی‌توان آن‌ها را باز گرداند. ما نمی‌توانیم در "این گونه باید باشد!"‌ها زندگی کنیم. ما تنها باید به واقعیت اعتراف کنیم و با فیض خدا به راه خود ادامه دهیم.

در شاهزاده کاسپین، اثرِ سی‌اس لوئیس، لوسی بعد از سرپیچی از فرمانِ اصلان، سعی می‌کند از او بپرسد اگر زودتر به دنبال صدای او می‌آمد و دست از بهانه‌تراشی بر می‌داشت چه اتفاقی انتظار او را می‌کشید. اصلان بزرگ پاسخ می‌دهد: "اگر بدونی چه اتفاقی می‌افته دخترم؟!... خیر، این رو هرگز کسی به تو نمی‌گه."

فصل دوم

خود شیفتگی آشکار

موضوع تکان دهنده ای که درباره اریک، لوسیندا، تیفانی و کایل وجود دارد این است که همه آن ها فکر می کردند با تسلیم شدن به شهواتشان سودی عایدشان می شد. اگر این امکان وجود داشت که قبل از خدشه دار شدن پاکی و نجابت شان با آن ها مصاحبه ای ترتیب دهیم احتمالاً می گفتند: "هدف لذت من است! برای خوشحالی خودم است!" با این حال اینطور نبود. حتی نزدیک هم نبود و هرگز نیست.

در واقع آن ها نه تنها فقط به دیگران آسیب زدند بلکه نا آگاهانه به منافع شخصی خود لطمه و آسیب زدند. کاری که آن ها کردند فقط یک اشتباه نبود، بلکه کاری احمقانه بود.

همه ما می دانیم که به چه دلایلی باید نجابت و پاکی خود را حفظ کنیم. خداوند پاکی (عفت) می خواهد و ناپاکی (بی عفتی) را منع می کند. خالص بودن درست است و ناخالصی اشتباه. آیا این گونه نیست؟ بله! کاملاً! این حقیقت به این معنی است که عفت و پاکدامنی هوشمندانه است و بی عفتی احمقانه! من به این می گویم اصول پاکی.

پاکی همیشه هوشمندانه است؛ ناپاکی همیشه احمقانه. نه بعضی وقتها! نه گاهی! بلکه همیشه!

شما هم از این اصل مستثنی نیستید. استثنایی وجود ندارد. خداوند مقدس، خلقت را با نظم خاصی آفریده تا اعمالی که مطابق با شخصیت او و قوانین نشأت گرفته از شخصیت او انجام می گیرند، همیشه تحسین بر انگیز باشند. اعمالی که در تضاد با شخصیت و ذات مقدس او قرار می گیرند همیشه مورد غضب و تنبیه هستند. خداوند هر عمل عادلانه ای را پاداش و هر عمل ناعادلانه ای را جزا می دهد.

این بدان معنا نیست که خدا همیشه مستقیماً دخالت می کند. این قاعده اخلاقی مثل قانون جاذبه است. خداوند آن را سر جایش قرار داده است. وقتی راننده ای بی دقت روی یخ با سرعت زیاد کنترل خودروی خود را از دست می دهد و ماشین از لبه پرتگاه به پایین پرتاب می شود، خداوند در آن لحظه جاذبه را خلق نمی کند تا راننده را بخاطر بی دقتی مورد تنبیه قرار دهد. جاذبه وجود دارد، چه قبل و چه بعد از تصادف.

به همین شکل، خداوند نیاز ندارد که معتادین به پورن گرافی را برای هر عمل اشتباه مورد مجازات قرار دهد. مجازات نتیجه گناه است و شرم، تنزل و تخریب شخصیت به عنوان میوه های گناه حاصل می شوند. کتاب مقدس کسانی را که تحت تسلط شهوات خود زندگی می کنند را بی اخلاق (بی عفت) می نامد. به عنوان مثال در رومیان 1 : 27 " ... مکافاتِ درخورِ انحرافشان را در خود یافتند."

قوانین حاکم بر دنیای اخلاقی خداوند به این شکل است. ما می توانیم راه خود را انتخاب کنیم اما با هر انتخاب، عواقبی غیر قابل اجتناب بار می آید.

بعضی اوقات جاده های زندگی بسیار خطرناک هستند. اما خداوند ما را آنقدر دوست دارد که علائم هشدار دهنده ای بر سر راه ما قرار می دهد: "زنا نکن!" و "قبل از ازدواج رابطه جنسی نداشته باش!". ما مجبور به اطاعت نیستیم. اما باید بدانیم که این خود ما هستیم که باید با عواقب انتخاب های خود زندگی کنیم.

پاکی و نجابت در ما حس امنیت ایجاد می کند. ناپاکی و بی عفتی خطرناک است. پاکی همیشه به ما کمک می کند. ناپاکی همیشه به ما آسیب می زند. پاکی هوشمندانه است و ناپاکی همیشه احمقانه. این جمله را یادداشت کنید و بر اساس آن عمل و زندگی نمائید.

به وضعیت دو مردی که عیسی در انجیل متی به آن ها اشاره می کند، دقت کنید:

«پس هر که این سخنان مرا بشنود و به آنها عمل کند، همچون مرد دانایی است که خانه خود را بر سنگ بنا کرد. چون باران بارید و سیلها روان شد و بادهای وزید و بر آن خانه زور آورد، خراب نشد زیرا بنیادش بر سنگ بود. اما هر که این سخنان مرا بشنود و به آنها عمل نکند، همچون مرد نادانی است که خانه خود را بر شن بنا کرد. چون باران بارید و سیلها روان شد و بادهای وزید و بر آن خانه زور آورد، ویران شد، و ویرانی اش عظیم بود!» (متی 7: 24-27)

عیسی اطاعت را فقط از طریق پرهیزگاری نمی سنجد بلکه بر اساس حکمت و ناطاعتی را با غلط بودنش نمی سنجد بلکه

با حماقتش. در این جا انسان ها با تصمیمات احمقانه و اشتباهشان، باعث "ویرانی عظیمی" می گردند. در این متن به انسان مطیع "صالح" نمی گوید بلکه او را حکیم خطاب می کند. یعنی شخص مطیع، باهوش است.

پیروزی بزرگ شیطان و بزرگترین شکست ما زمانی اتفاق می افتد که او ما را مجاب می کند که از خود بپرسیم: "آیا واقعاً باید آنچه خدا گفته را انتخاب کنم؟ یا باید بهترین را برای خود انجام دهم؟" شکل این سؤال بیان گر این است که چگونه فریب می خوریم. ما همیشه اراده خداوند را انتخاب نمی کنیم. تا زمانی که مطمئن نباشیم اراده خدا برای ما بهترین است از آن اطاعت نمی کنیم.

انگیزه های چند گانه

شما ممکن است بگویید "صبر کن یک دقیقه! تو داری در مورد انگیزه ای خود خواهانه و غیر روحانی حرف میزنی. آیا نباید انگیزه فرد مسیحی فقط محبت به خداوند باشد؟" نه، مشخصاً نه.

کتاب مقدس انگیزه های مختلفی را در سر راه ما قرار می دهد تا از کلام خدا پیروی کنیم. محبت یکی از آنهاست. اما کتاب مقدس دو انگیزه دیگری را نیز به شکلی آشکار در اختیار ما قرار می دهد که مستقیماً حس خود خواهی را در ما تحریک می کند. ترس از خدا و امید به پاداش.

اگر فکر می کنیم این انگیزه ها غیر روحانی هستند پس ما در دریافت مفاهیم کتاب مقدسی درست عمل نکرده ایم.

ترس از خدا احترامی دو چندان برای قدوسیت اوست، که شامل ترس از عواقب ناطاعتی نیز می شود. سنجش این ناپاکی ها ما را به سمت پاکی سوق می دهد.

ما می توانیم پاکی را استدلال کنیم چون خداوند در ذات خود پاداش دهنده است. (عبرانیان 6 : 11) و مطمئناً به خاطر تصمیماتی که باعث خشنودی او می گردد به ما پاداش می دهد. اطاعت از اراده و طریق او مجموعه ای از نادرترین و شگفت انگیز ترین احساس را در ما ایجاد می کند. حس شادی.

« امروز آسمان و زمین را بر شما شاهد می گیرم
که زندگی و مرگ، و برکت و لعنت را پیش
رویتان نهادم. پس زندگی را برگزینید تا شما و
نسلتان زنده بمانید؛ بیهوه خدای خود را دوست بدارید،
از صدای او اطاعت کنید و به او بچسبید، زیرا او
زندگی شما و درازی عمر شماست، تا در سرزمینی که
خداوند برای پدرانتان، ابراهیم و اسحاق و
یعقوب، سوگند خورد که آن را بدیشان
دهد، قرار یابید.» (تثنیه 30: 19-20)

ما می توانیم برکت را انتخاب کنیم: شادی، آرامش، زندگی،
امید و خنده را یا می توانم لعنت را برگزینیم: بدبختی، زخم ها و
مشتی از خاکستر.

وقتی قائن، نخست زاده آدم، در دو راهی اخلاقی قرار گرفت،
خداوند به لطافت برای او استدلال کرد:

« آنگاه خداوند به قائن گفت: « از چه سبب
خشمگینی و چرا دلریش گشته ای؟ اگر آنچه را که

نیکوست انجام دهی، آیا پذیرفته
نمی‌شوی؟ ولی اگر آنچه را که نیکوست
انجام ندهی، بدان که گناه بر در به کمین نشسته
و مشتاق توست، اما تو باید بر آن چیره شوی.» (پیدایش 4: 6-7)

خداوند داشت می گفت که اگر نقشه های من را انتخاب کنی
خوشبختی را خواهی یافت و لبخند بر چهره ات خواهد نشست.
مطمئناً این جهان، جهانی سقوط کرده است. اما اگر تو به امیال
گناه آلود خود غلبه کنی و با من راه روی، آرامش مرا تجربه
خواهی کرد. اگر استانداردهای مرا رد کنی، تسلیم نیروهایی
خواهی شد که زندگی تو را به هم می ریزند. مابقی تاریخ است.

استدلالی هوشمندانه و احمقانه

آیا خداوند واقعاً بر پاکی جنسی تأکید می کند و آن را انتخابی
هوشمندانه می نامد در حالی که ناپاکی را حماقت می داند؟
خودتان قضاوت کنید:

« چرا سرمست زن بیگانه باشی
و با زن زناکار هم‌آغوشی کنی؟ » (امثال 5: 20)

« زیرا راه های انسان در برابر چشمان خداوند
است و همه طریقه های او را می‌سنجد. » (امثال 5: 21)

« بدکاریهای شریر به دامش می‌افکند، و در
بند گناهان خویش گرفتار می‌آید. » (امثال 5: 22)

« از بی‌ادبی خواهد مرد، و از جهل
بسیار گمراه خواهد شد.» (امثال 5: 23)

چرا باید از زنا دوری کنیم؟ چون خداوند آن را می‌بیند و ما را
داوری خواهد کرد. اما حتی قبل از روز داوری "انسان در بند
گناهان خویش گرفتار می‌آید." زناکار در دام می‌افتد؛ او خواهد
مرد. او در ابتدا قربانی حماقت خود خواهد شد. اما کسی که خود
را پاک نگاه می‌دارد می‌تواند "شادی کند" و "در بند" عشق
همسرش باشد و از اتحاد جنسی خود لذت ببرد. (امثال 5: 18-19)

در باب بعدی خداوند می‌پرسد:

« آیا کسی تواند آتش را در آغوش گیرد و
جامه‌اش نسوزد؟ آیا کسی تواند بر اخگرهای سوزان راه رود و
پاهایش نسوزد؟ نیز چنین است آن که با زنِ همسایه‌اش
بخوابد، زیرا هر که او را لمس کند از مجازات
نخواهد رست. » (امثال 6: 27-29)

کتاب امثال شخصی که به زنا گرفتار است را به "گاوی در
راه کشتارگاه" و آهو یا پرنده که به دام شکارچیان افتاده است
تشبیه می‌کند. (امثال 7: 21-27).

ایمانداری که در حال آزاد شدن از اعتیاد جنسیتش بود روزی
به من نزدیک شد و گفت: "معتادان همیشه فکر می‌کنند که
می‌توانند از اعتیادشان آزاد شوند. ولی زمانی تغییر در تو شروع
میشه که بفهمی به تنهایی قادر به انجامش نیستی. من هرگز

نمی توانم از بی اخلاقی جنسیم دست بکشم و خداوند می خواهد که من این را به یاد داشته باشم! و آن هم به خاطر خودم!"

انتخاب کنید

شبی به عنوان شبانی جوان تصمیم گرفتم که فیلمی مستهجن تماشا کنم. احساس بدی داشتم. خداوند، همسر و کلیسایم را ناامید کردم. کارم احمقانه بود. من تصویر وحشتناکی که ممکن بود به راحتی به آن تبدیل شوم را دیدم. اما احساس شرم نتوانست مرا آزاد کند. من فکر می کردم و انتخابات پیش روی خود را بررسی می کردم.

آیا شما واقعاً می خواهید همچون گاوی در راه کشتارگاه باشید؟ اگر این طور است به رفتار نامناسب خود با مرد همسایه یا منشی جدید خود ادامه دهید. به فکر کردن دربارهٔ دختر یا پسری که در کلاس درس کنار شما نشسته ادامه دهید. به تماشای فیلم های تلویزیونی، سریال ها و تبلیغاتی که تصاویر مستهجن را مانند گلوله ای به سوی شما شلیک می کنند ادامه دهید. شما به سمت کشتارگاه می روید.

اما اگر انتخاب بهتری می خواهید، چیزی شگفت انگیز، پاکی و نجابت را انتخاب کنید. سعی کنید در این امر اولین باشید. دفاع از بکارت درست است! خوب است تا فرزندان را تشویق کنید تا خود را برای ازدواج مقدس نگاه دارند، نه فقط برای جلال خدا، بلکه برای خوشحالی و خوشبختی خودشان!

کاملاً به جاست که برای دور بودن از غم و غصه و خود تخریبی از ناپاکی اجتناب کنیم. کتاب امثال دقیقاً چنین کاری را توصیه می کند.

یکی از شیوخ کلیسا نزد من اعتراف کرد و گفت: " بارها با وسوسه شدید جنسی روبرو بودم. باید بگم که عشقم به خداوند و همسر مرا از سقوط محافظت کرد. من ترس خالص را وضوحاً به چشم دیدم. مطمئن بودم که اگر در این مسیر قدم بر دارم خداوند اجازه می دهد که بدبختی به سراغم بیاد."

او مرد حکیمی است. مردی که به نفع خود عمل کرد. او می دانست ناپاکی مجازات و پاکی پاداش خود را به همراه دارد، با پاداشی ملکوتی. معامله غیر منطقی بود او متضرر می شد بنابراین او با تیز هوشی از زیر این معامله شانه خالی کرد.

آیا این انگیزه کمتر و کم ارزش تر است؟ نه! این برادر هرگز لغزش نخورد و سقوط نکرد. هرگز خانواده خود را خانه خراب نکرد. هرگز کلیسای خود را شرمنده نکرد. هرگز قلب زنش را نشکست. هرگز فرزندان را ناامید نکرد. هرگز خدمتش را خراب نکرد. آیا فکر می کنید همسر و فرزندان به خاطر ترس او از خدایی که او را در مقابل هوس های تاریک پاک نگاه داشت، شاکر هستند؟ مسلماً.

ترس از خداوند نباید ما را هراسان کند بلکه باید منطق ما را به کار بیاندازد تا از این موقعیت ها اجتناب کنیم.

« ترس خداوند، چشمه حیات است تا آدمی

خویش را از دام های مرگ دور بدارد. » (امثال 14: 27)

کسانی که نسبت به وسوسه های جنسی تسلیم می شوند به نفع خود عمل نمی کنند و بالاخره متضرر خواهند شد. آن ها فکر می کنند به دنبال منافع خود هستند، زیرا شیطان آن ها را فریب داده و آن چه باعث خسران و ضرر آن ها می گردد را به جای موضوعی سودآور به آن ها عرضه داشته است. اگر آن ها واقعاً به دنبال منفعت شخصیشان بودند از نزدیکی ماری چنبره زده یا نارنجکی از ضامن در رفته می گریختند. آن ها آن چنان پاکی را به آغوش می کشیدند که انگار تیوپ نجات آن ها در میان اقیانوس خروشان است و چقدر زندگی خود و خانواده دل آن ها متفاوت می بود اگر آن ها چنین عمل می کردند.

وقتی خداوند شما را به پاکی فرا می خواند از شما نمی خواهد کاری کنید که از شادی محروم شوید. در واقع شما خوانده شده اید تا آن چیزی را انجام دهید که عظیم ترین شادی را به همراه دارد.

انتخاب پاکی یعنی خود را تحت برکت خداوند قرار دادن. انتخاب ناپاکی یعنی خود را زیر لعنت خداوند قرار دادن. تصمیم با شماست. شما با هر تصمیم حکم خود را صادر می کنید. این انتخاب ها در دو دعا جمع بندی می شود:

*خداوند! مرا برکت ده به خاطر اطاعت از تو.

* خداوند! مرا لعنت کن به خاطر نا اطاعتی از تو.

حکم شما کدام را نشان می دهد؟ کدام دعاست که از انتخاب های شما سرچشمه می گیرد؟

استراتژیک ترین مبارزه

نظر سنجی های امروزه نشان می دهد بی اخلاقی های جنسی مسیحیان با بی اخلاقی های جنسی غیر مسیحیان برابری می کند. تقریباً غیر ممکن است تشخیص دهید مرز دنیا کجا تمام می شود و کلیسا از کجا آغاز می شود.

شکست در اطاعت از فرامین کلام خدا در این زمینه ما را در انجام آنچه که به آن خوانده شده ایم نا توان می سازد. چرا؟ چون اگر مثل دنیا باشیم، چیزی برای ارائه به دنیا نخواهیم داشت. جهان غرق در گناه هیچ وقت از طریق کلیسایی نامقدس توبه نخواهد کرد.

چرا نجابت و عفاف جنسی بخشی مهم از پاداش زندگی ما هستند؟ چرا روابط جنسی قبل از ازدواج و خارج از ازدواج سمی هولناک بر علیه شادی ما است؟ چرا با این که بسیاری امتحان کردند و چشیدند و دیدند اما با این حال شکست خوردند، شکست و شکست؟ چطور می توانیم از اغواها و دام هایی که می توانند ما را اسیر سازند و زندگی ما را بدرند اجتناب کنیم؟

اغراق نیست اگر این مسأله را موضوع مرگ و زندگی بنامیم. ساعتی که صرف خواندن این کتاب می کنید شما را از فاجعه ای هولناک دور می کند و شما را در مسیری قرار می دهد که شما و خانواده تان همیشه شکر گزار آن خواهید بود.

فصل سوم

چرا روابط جنسی اهمیت دارد؟

آیا این مثل قدیمی را شنیده اید که می گوید: "همه گناهان نزد خدا برابر هستند؟"

اما گفته پولس رسول چنین نیست. پولس به اغوا شدگان جنسی قُرنتس می گوید:

«از بی عفتی بگریزید! هر گناه دیگر که انسان مرتکب شود بیرون از بدن اوست، اما کسی که مرتکب بی عفتی می شود، نسبت به بدن خود گناه می کند.» (اول قُرنتیان 6: 18)

از همان اول، رابطه جنسی خارج از حیطه ازدواج از نظر کیفی با دیگر گناهان تفاوت داشت. چرا؟ چون رابطه جنسی خارج از ازدواج عملی نیست که مرتکب می شوید گناهان جنسی به آن اشاره نمی کند که شما مرتکب چه عملی شدید بلکه بیان گر این حقیقت است که شما چه کسی هستید. وقتی رابطه جنسی خارج از حیطه ازدواج برقرار می کنید، زندگی خود را به خطر می اندازید. چیزی را به طبق اخلاص می گذارید که دیگر ممکن است به شما بازگردانده نشود.

پاکي و ناپاکی مسائلی فراتر از دغدغه ها اخلاقی، فرهنگی و عملی هستند. آن ها می توانند به روح نفوذ کنند. آن ها به هسته مرکزی کسی که هستید و کسی که خواهید شد نفوذ می کنند.

رابطه جنسی را هالیوود، مدونا، یا منحرفی در چت روم ابداع نکرده است. رابطه جنسی را خداوندی بی حد مقدس، تاج دار با جلالی خیره کننده و احاطه شده با فرشتگان درخشان و مقدس خلق کرده است. نیکویی رابطه جنسی قائم یا نزول کرده برابر با نیکویی خالقش است.

«و خدا هر آنچه را که ساخته بود دید، و اینک بسیار نیکو بود.» (پیدایش 1:13)

رابطه جنسی نیز بخشی از این هر آن چه بود که نیکو بود حتی بعد از سقوط. کلام خدا به وضوح از لذت در رابطه زناشویی صحبت می کند. (امثال 5: 18-19؛ غزل غزل ها 4: 5؛ 7: 1 – 9) رابطه جنسی روشی برای به دنیا آمدن کودکان و ابراز صمیمیتی عمیق است. هر دوی این ها برای خداوند مهم هستند. وقتی اتحاد جنسی در مکان و زمانی مناسب با روحی بخشنده صورت می گیرد، خداوند لبخند می زند.

قدرت رابطه جنسی

به این دلیل اصول پاکی خیلی مهم است:

رابطه جنسی بسیار مهم است زیرا می تواند باعث اعمال نیکو یا آسیبی عظیم گردد. آتش هدیه خداست. بدون آتش وضعیت ما چگونه می شد؟ آیا تا به حال شعله آتشی را در اردویی در شبی سرد و زیر آسمانی صاف در قلب حیات وحش روشن کرده اید؟ با این حال آن آتش اگر از حدود خود به بیرون کشانده شود چه اتفاقی خواهد افتاد؟ فاجعه ای عظیم. درد! مرگ!

با شکوه ترین عطایای خداوند اگر از حدود خود خارج شوند، به سادگی باعث نابودی می گردند. رابطه جنسی نیز همین طور است. توانایی بالقوه آن با ظاهر شرورانه دیگرش کمرنگ می شود. تا وقتی که آتش در جای خود در کنترل نگاه داشته شود، شما را گرم نگاه می دارد. اما اگر آتش آزاد شود، خانه ها را به خاکستر تبدیل می کند.

من با خرابه های آتش گرفته بسیاری روبه رو شدم و دیده ام که بی اخلاقی چگونه می تواند زندگی انسان ها را به نابودی بکشاند. من به ناله های بدون امید انسان های بسیاری گوش سپرده ام وقتی که آن ها از خدا می پرسیدند آیا می توانند دوباره سر پا بایستند؟ (می توانند! اما باور به توانستن مسأله دیگری است.) من صحنه هایی که بر روح و جانم حک شده را نمی توانم از یاد ببرم.

بر خلاف مسأله مطرح شده بالا، پذیرش پاکی اذعان و مدعی شدن به حق داشتن عطایی با شکوه است. پاکی بی نهایت زیباست. همانند یک گل رز بعد از باران تابستانی است. و زیبایی آن هرگز از بین نمی رود، چون هر که در آسمان زندگی می کند پاک و خالص خواهد بود.

مرز کجاست؟

بر اساس کتاب مقدس، مرز رابطه زناشویی است. رابطه زناشویی و ازدواج لازم و ملزوم یکدیگرند و از هم جدا نیستند. اتحاد جنسی ابراز تعهدی از قبل تعیین شده در زندگی است. بدون ازدواج، چنین تعهدی غایب است. پس رابطه جنسی بدون تعهد دروغی بیش نیست.

رابطه زناشویی امتیازی جدانشدنی از مسئولیت مقدس تعهد و ازدواج است. بدون داشتن چنین مسئولیتی ما به منظور نظر خدا دست نیافته ایم. هر رابطه جنسی خارج از حیطه ازدواج هر دو موضوع را کم ارزش می گرداند.

رابطه جنسی مقرر شده تا باعث به هم پیوستن دو شخص در روح باشد نه فقط بدن. رابطه جنسی باید با شخصی برقرار شود که شما به او تعهدی 100 درصد دارید. (که با ازدواجی قانونی ثابت می شود)، نه با شخصی که شما به او تعهدی ندارید. " ... ولی ما واقعاً همدیگر رو دوست داریم ... " جایی در اصول اخلاقی صمیمت در رابطه جنسی ندارد. رابطه جنسی به واسطه احساسات درونی مجاز شمرده نمی شود، بلکه از طریق احساسات برونی، که تعهدی مادام العمر ازدواج است مجاز می گردد. این ها قوانین خداوند است. ک اری برای تغییر آن ها نمی توانیم انجام دهیم. قوانین همیشه اجرا می شوند. وقتی قوانین را می شکنیم آن قوانین متقابلاً ما را در هم می شکنند.

راننده باهوش از محدوده و حریم جاده تجاوز نمی کند. ناله نمی کند که حفاظ کنار جاده گلگیر ماشینم را خراب کرد. راننده حکیم به دره نگاه می کند و ماشین های در هم کوبیده شده را می بیند و برای گاردریل خدا را شکر می کند.

گاردریل خداوند اصول اخلاقی مقرر شده توسط اوست. آن ها مواعی بین ما و نابودی هستند. آن جا نیستند تا ما را تنبیه و محروم سازند بلکه حضور دارند تا ما را از نابودی مصون نگاه دارند.

پاکی و اراده خداوند

پولس پاراگرافی را به موضوع پاکی جنسی اختصاص می دهد که موضوع " هوشمندی در برابر حماقت " در آن موج می زند:

« اراده خدا این است که مقدّس باشید: خود را از بی عفتی دور نگاه دارید. هریک از شما باید بداند که چگونه در پاکی و برازندگی، بدن خود را تحت تسلط نگاه دارد. نباید همانند قومهایی که خدا را نمی شناسند، دستخوش امیال شهوانی باشید. هیچ کس نباید در این امر دست تجاوز یا طمع به حریم برادر خود دراز کند. چنانکه پیشتر به شما گفتیم و هشدار دادیم، خداوند همه این کارها را کیفر خواهد داد. زیرا خدا ما را نه به ناپاکی، بلکه به قدّوسیت فرا خوانده است. پس، هر که این تعلیم را رد کند، نه انسان، بلکه خدایی را رد کرده که روح قدّوس خود را به شما عطا می فرماید. » (اول تسالونکیان 3: 4-8)

چقدر شنیده اید که افراد در مورد " تشخیص اراده خدا " صحبت می کنند؟ ما طوری از اراده خدا صحبت می کنیم که گوئی اراده او گم شده یا اراده او مثل مکعب روبیکی است که ذهن خلاق انیشتین هم برای حل آن کافی نیست. اما نیازی نیست شما در مورد رابطه خارج از حیطه ازدواج و موضع خداوند در این مورد تردیدی داشته باشید. اراده خدا این است که مقدّس باشید: خود را از بی عفتی دور نگاه دارید. چقدر واضح است؟

بسیاری از مردم به دنبال " اراده خداوند " هستند، اما بسیاری از آن ها به خود زحمت نمی دهند که بر طبق کلام خدا زندگی

کنند. کلامی که می گوید اراده خداوند این است. هدف از گشتن به دنبال اراده خداوند در چیزهای کم ارزش تر چیست؟ وقتی که شما از آنچه که به شما گفته است غافلید؟ یعنی پاک بودن؟

شاگردان مسیح بر طبق شهوات خود زندگی نکردند، بلکه در تقدس رفتار کردند و این تقدس آن ها را از فرهنگ گناه آلود محیطشان جدا می کرد. کلیسا امروزه نیاز دارد تا جنبه مهمی از شخصیت ما را بازیابی کند، به عنوان عروس بی لکه او!

مشکل احساسات قوی نیست، مشکل شهوت است. ما باید خداوند را عاشقانه محبت و خدمت کنیم. ما نیاز داریم که عشق خود را نسبت به گزینه های صحیح بهرورانییم نه اشتباهات.

"آموختن مهارت های کنترل بر بدن" خود به خود ایجاد نمی شود بلکه نیازمند آموزش و تمرین است در غیر این صورت نیاز به یاد گرفتن نبود.

مقاومت در برابر شهوت، امتناعی شجاعانه، دلیرانه و لجوجانه برای زیر پا نگذاشتن قوانین خداوند است. این به این معنی است که مکررا عیسی را می خوانیم تا قوت بیابیم برای نه گفتن به دنیا، جسم و شیطان و بله گفتن به خداوند! ما این کار را در تعقیب شادی مطلق که تنها در شناخت خداوند یافت می شود انجام می دهیم.

آهنگ بیتلز را که می گوید "فقط باید طبیعی رفتار کنم!" را به یاد دارید؟ حقیقت این است که اگر طبیعی رفتار کنید به مخممه خواهید افتاد.

اما اگر فراطبیعی زندگی کنید و قوت عیسای ساکن در درونتان را آزاد کنید و بر آن تکیه کنید، می توانید از فواید کنونی و آینده آن لذت ببرید.

آیا شما اراده خداوند را می جوئید؟ واقعاً؟ پس پاکی را بپذیرید و بیاموزید که چطور بدن خود را کنترل کنید. از سودجویی جنسی نسبت به هر کسی خود داری کنید. با این کار شما از نتایج و عقوبت هولناک آن نجات یافته اید و شادی مطلق و رضایت بخش عیسی را چشیده اید.

بدن شما متعلق به کیست؟

بعضی وقت ها وقتی درباره پاکی حرف می زنم، مدادی قرض می گیریم و بعد آن را از وسط می شکم و به زمین می اندازم و آن را لگد می کنم. چشمهای همه در جلسه گرد می شود و نفس حضار در سینه حبس می شود. از شخصی که مداد را از او قرض گرفته ام می پرسم چرا شوکه شدی؟ و او جواب می دهد: " زیرا مدادم را شکستی!"

بعد توضیح می دهم که مداد در واقع مال من بود، که قبل از جلسه به آن شخص داده بودم و از او خواستم هر وقت خواستم آن را به من برگرداند. ناگهان همه چیز تغییر می کند. به این خاطر که مال من است، پس من هر کار که بخواهم با آن انجام می دهم. اگر متعلق به شخص دیگری باشد من چنین حقی ندارم. اما بدن من متعلق به کیست؟

« آیا نمی دانید که بدن شما معبد روح القدس است
که در شماست و او را از خدا یافته اید، و دیگر

از آن خود نیستید؟ به بهایی خریده شده‌اید،
پس خدا را در بدن خود تجلیل کنید.» (اول قرنتیان 6: 19-20)

وقتی به عیسی ایمان آوردم، موضع و دیدگاه من نسبت به
زندگی تغییر کرد. من خریده شده بودم. بهایی برای من پرداخت
شده بود. چه بهائی؟ خون ریخته شده خداوند. ما مخلوقات اویم
و دوباره بوسیله او نجات یافته ایم. خداوند حق دارد که به من
بگوید با ذهن و بدنم چه باید کنم. من حق ندارم با بدنی که
حال متعلق به اوست هرکاری که می خواهم را انجام دهم.
خوشبختانه برای من، خداوند همیشه نه تنها برای جلال خود
بلکه به نفع من عمل کرده است. پس می توانم اعتماد کنم که
هر چه او منع کرده به من آسیب می زند و هر چه او فرمان داده
که انجامشان دهم برای کمک به من است.

فصل چهارم

نشانه گذاری شده و آسیب پذیر

اگر شما یک ایماندار هستید، شخصی هستید که در تیر رس شیطان قرار دارید و نشانه گذاری شده اید. نیروی های شرارت قرار دادی برای به دست آوردن شما بسته اند. شیطان پشت در است تا شما را مال خود کند. اگر نتواند شما را به جهنم ببرد، سعی می کند که زندگی شما در زمین تبدیل به جهنمی تمام عیار شود.

با شرمندگی به یاد می آورم زمانی که دانشجوی کتاب مقدس بودم درباره رهبری معروف و شناخته شده ای شنیدم که به خاطر زنا دچار لغزش اخلاقی شده بود. من! هرگز! می دانستم هرگز به خداوند و همسرم به این شکل خیانت نمی کنم. من نه! به فیض خداوند من به جز همسرم با کس دیگری رابطه جنسی نداشته ام. اما علت آن است که من حکیم تر شده ام و با حقیقتی ترسناک دست و پنجه نرم کرده ام و اگر حکیمانه عمل نکنم این اتفاق می تواند برای من هم بیافتد و من احمق بودم که طور دیگری فکر می کردم.

اگر شما فرض کنید که هیچوقت از شما سرقت نمی شود، شما در ها را باز می گذارید و پول نقد را روی میز. اگر شما فرض کنید که هرگز لغزش نخواهید خورد، با بی دقتی زندگی می کنید و احتیاط را به کناری می گذارید.

« غرور پیشرو نابودی است، و دل متکبر پیشرو لغزش. » (امثال 16: 18)

خداوند به ما حق انتخابی داده است. خود را فروتن سازیم یا او
ما را فروتن می سازد. (اول پطرس 5: 5-6)

به خود نبالید که برای شما چنین اتفاقی نخواهد افتاد ممکن
است برای شما هم پیش آید و اگر فکر می کنید که این طور
نیست، می توانم بگویم که حتماً اتفاق خواهد افتاد.

به عنوان شبان کلیسا، به خواهری مشاوره می دادم که
ناگهان متوجه شدم او به من علاقه مند شده است و من از این
موضوع ترسیدم زیرا که از اول چنین چیزی را در او حس کرده
بودم.

از جایی که هنوز از نظر احساسی درگیر این مسئله نشده بودم
وسوسه شدنم را توجیه می کردم. اما در عمق وجودم زنگ
خطری را می شنیدم. می دانستم دارم در زمینی پر از مین قدم
می گذارم. خداوند به من یادآوری کرد که هر زنایی با عاملی بی
ضرر شروع می شود. پس من فرار را بر قرار ترجیح دادم. طور
دیگری برنامه ریزی کردم. او می توانست با کس دیگری به
مشاوره خود ادامه دهد. شاید با این تصمیم من داشتم به او
توهین می کردم اما این بهایی کوچک بود. خداوند فقط می داند
و من نمی خواهم بدانم در غیر این صورت چه اتفاقی می
توانست رخ دهد.

زمانی که خسته، منزوی، تنها، افسرده، عصبی هستیم ما در
آسیب پذیر ترین حالت خود قرار داریم. به خصوص اگر با
شریک زندگی مان مشکل روابطی داشته باشیم. شک نکنید که
ارواح شریر از آن خبر دارند و در حمله به ما تردیدی به خود راه
می دهند.

« چون ابلیس همهٔ این وسوسه‌ها را به پایان
رسانید، او را تا فرصتی دیگر ترک گفت. » (لوقا 4: 13)

هشدار پولس باید جایی خاص بر روی میز کار ما، تابلو
اعلانات یا برنامه روزانه ما داشته باشد:

« پس آن که گمان می‌کند استوار است، به‌هوش
باشد که نیافتد! » (اول قرنتیان 10: 12)

برداشت من از این آیه این گونه است. اگر فکر می‌کنید
نیازی به محتاط بودن نیست پس می‌توانید اسم خود را این
گونه بنویسید: " الف - ح - میم - قاف "

همه چیز آشکار خواهد شد

زیر پا گذاشتن استانداردهای خداوند درست مثل زیر پا
گذاشتن قوانین جاذبه است. نمی‌توانید این کار را انجام دهید.

« فریب نخورید: خدا را استهزا نتوان کرد. انسان هر
چه بکارد، همان را خواهد دروید. کسی که برای
نَفْسِ خود می‌کارد، از نَفْسِ تباهی درو خواهد کرد؛
اما کسی که برای روح می‌کارد، از روح حیات جاویدان
خواهد دروی. لذا از انجام کار نیک خسته نشویم،
زیرا اگر دست از کار برداریم، در زمان مناسب
محصول را درو خواهیم کرد. » (غلاطیان 6: 9)

دیر یا زود، گناه جنسی آشکار می‌شوند. یقین بدانید که
گناهتان گریبان شما را خواهد گرفت. (اعداد 32: 23)

سلیمان می گوید :

« آن که در صداقت گام برمی دارد در راه
بی خطر است، اما آن که به راه کج می رود
رسوا خواهد شد. » (امثال 10: 9)

ایده ای که باید همه بایستند و به آن فکر کنند این است.
موضوعی به عنوان لحظه خصوصی وجود ندارد.
عیسی به یاران خود هشدار داد که :

« هیچ چیز پنهان نیست که آشکار نشود و هیچ چیز
پوشیده نیست که عیان نگردد آنچه در تاریکی
گفته اید، در روشنایی شنیده خواهد شد، و آنچه پشت
درهای بسته نجوا کرده اید، از فراز بامها
اعلام خواهد گردید. » (لوقا 12: 2-3)

یکی از تاکتیک های شیطان این است که توری تقلبی از
مخفی بودن می بافتد، و توهم خصوصی بودن را بر انتخاب های
گناه آلود مهر می کند. او به ما می گوید " کسی نمی بیند! کسی
نمی فهمد!"

اما دروغ می گوید. اتفاقاً کسی می بیند! اتفاقاً یک نفر همان
جا حاضر است. یکی اکنون می داند و به وقتش همه خواهند
دانست. ما هرگز نمی توانیم از زیر بار اعمال خود شانه خالی
کنیم.

عواقب گناهان جنسی

آنتی بیوتیک ها بیماریهای خطرناک و عفونی را درمان می کنند یا مانع از ایجاد بیماری می گردند. داروهای ضد بارداری احتمال بارداری را کاهش می دهند. اما دارویی برای پیشگیری از بیماری های وجدان مان وجود ندارد.

علم پزشکی ممکن است تعدادی از عواقب گناه مرا از سر راه بردارد. اما پاسخگویی من نسبت به خدا را نمی تواند از سر راه بردارد.

خداوند می گوید آن که از گوش فرا دادن به شریعت سر باز زند، حتی دعایش کراهت آور می گردد. اگر ما به اصول پاکی عمل نمی کنیم خدمت و دعای ما فاسد می گردد. (امثال 28: 9)

گناه جنسی مانع از قدن زدن با خداوند می گردد. اگر ما در چنگال بی اخلاقی خود گرفتار باشیم خداوند تنها منتظر یک دعاست، دعای توبه و اعتراف.

گناه به آسانی باعث مرگ 36 نفر از مردان اسرائیلی شد، از جمله خانواده خود او! (یوشع 7: 1-26). خداوند حاکم بر زندگی همه افراد است. اما مشخصاً، گناه شخصی هر کسی می تواند عواقب سنگینی برای دیگران نیز در پی داشته باشد.

سیندی 12 ساله بود وقتی پدرش که رهبر کلیسایی بود مرتکب زنا شد. پدرش با زنی در کلیسا زنا کرده بود و خانواده خود را ترک کرده بود. مادر سیندی که ایماندار خوبی بود با عجله و بدون حکمت با شخصی بی ایمان ازدواج کرد.

این رسوایی به گوش همه رسید. سیندی وارد روابط خطرناکی با مردان بسیاری گشت. روابط جنسی پر خطر! اگر چه سیندی

مسئول اعمال خود بود ولی او کاشته های پدرش را درو می کرد. (خروج 20: 5)

هر زنی که شوهرش گرفتار زنا شده است شهادت می دهد که رابطه جنسی تأثیری عمیقی بر روابط زناشویی آن ها می گذارد.

برادری که در خدمات کلیسایی بسیار فعال بود به خاطر روابط جنسی با جنس موافق از خدمات خود کناره گیری کرد. از او پرسیدم: " باید به تو چه می گفتم تا مانع از چنین اتفاقی می گشتم؟ " بعد از کمی فکر کردن جواب داد: " اگر کسی به من کمک می کرد تا بتوانم ببینم که این عمل چه آبرو ریزی برای نام عیسی و خدمت من به بار می آورد، ممکن بود هرگز دست به چنین کاری نمی زدم."

روش تشخیص دروغ های شیطان

عیسی در مورد شیطان گفت:

« ... هر گاه دروغ می گوید، از ذات خود می گوید؛ چرا که دروغگو و پدر همه دروغ ها است. » (یوحنا 8: 44)

شیطان در دروغگویی زیرک و مجاب کننده است اما در عوض عیسی حقیقت را می گوید و ما را آزاد می کند. (یوحنا 8: 32) پولس در دوم قرن تیان 2: 11 می گوید: « زیرا از ترفندهای او بی خبر نیستیم. » اما امروزه چی؟ آیا از ترفندهای شیطان با خبریم؟ نیاز است قدم های شیطان برای نابودی مان را تشخیص دهیم، تا نزدیک شدنش را دریابیم و مقاومت کنیم.

« هوشیار و مراقب باشید، زیرا دشمن شما ابلیس همچون شیری غرآن در گردش است و کسی را می‌جوید تا ببلعد. » (اول پطرس 5: 8)

گاهاً؛ وقتی عکسی تحریک کننده جلوی من ظاهر می‌شود، در حالی که چشمانم را می‌بندم، روی خود را بر می‌گردانم و قلاب ماهی‌گیری خارداری را تصور می‌کنم. حتی اگر لحظه وسوسه شوم که حتی زیر چشمی نگاه کنم تصور می‌کنم که این قلاب از طرفی که آن عکس قرار دارد به سمت من نزدیک می‌شود و به دهانم فرو می‌رود و بدنم را تکه تکه می‌کند. من مثل ماهی در قلاب گیر می‌کنم و او مرا به بالا می‌کشد و این اغوایی زیباست. ولی دشمن چگونه ما را به قلاب می‌اندازد و نابود می‌کند؟ بدانید که وسوسه همیشه زیبا به نظر می‌آید که اگر این گونه نبود به آن وسوسه نمی‌گفتند. اما خداوند ما بی‌نهایت از شیطان قدرتمند تر است.

« زیرا آن که در شماست بزرگتر است از آن که در دنیاست. » (اول یوحنا 4: 4)

« قدرت الهی او هرآنچه را برای حیات و دینداری نیاز داریم به ما ارزانی داشته است. این از طریق شناختِ او میسر شده که ما را به واسطهٔ جلال و نیکویی خویش فرا خوانده است او به واسطهٔ اینها وعده‌های عظیم و گرانبه‌ای خود را به ما بخشیده، تا از طریق آنها شریک طبیعت الهی شویم و از فساد که در نتیجهٔ امیال نفسانی در دنیا وجود دارد، پرهیز. » (دو پطرس 1: 4)

خداوند به آدم اول گفت که اگر از میوه ممنوعه بخوری "قطعاً خواهی مرد". ولی شیطان گفت: "ممکن است نمیری!" هر بار که به گناه جنسی وسوسه می شویم، باید بین دو صدا انتخابی داشته باشیم. خداوند یا شیطان! کدام را باور می کنید؟

رضامندی الهی

تصویر جنسی ذهن من را به سمت شهوت می کشاند. دنیا، جسم و شیطان مرا با پیغام های خود بمباران می کنند. حسی مردانه به من می دهد که دردم، ناامیدی ام و استرسم را کمتر می کند و شاد تر خواهم بود و این ارواح شریر در گوش شما زمزمه کنان می گویند: "خداوند نیکویی بی نظیری را از تو دریغ کرده است!" خداوند دروغ شریر را بر ملا می کند و به من می گوید که شادی واقعی فقط در عیسی مسیح یافت می شود. دو انتخاب پیش پای من قرار دارد. اعتماد به خدا یا اعتماد به شیطان!

من باید بین تخیلات جنسی و صمیمیت با خداوند یکی را انتخاب کنم. هر دو را نمی توانم یک جا داشته باشم. وقتی می بینم خداوند شادی و لذتی را پیشنهاد می کند که بسیار فراتر از تخیلات و لذات جنسی من است همین موضوع باعث تغییر دیدگاه های من می شود. تغییر دیدگاه وقتی رخ می دهد که من خداوند را دنبال کنم و او را هدف کنکاش های خود قرار می دهم. و زمانی که متوجه می شوم این تخیلات فقط جایگزینی کم ارزش بجای خداوند است و در می یابم که دویدن به سمت آن ها به معنی فرار کردن از خداوند است.

وقتی عطش من برای شادی با عیسی سیراب شود، گناه دیگر جذائیتی نخواهد داشت. من به لذت های زود گذر و بی اخلاقی نه می گویم، نه به اینکه لذت نمی خواهم بلکه به این خاطر که دنبال لذت واقعی هستم، لذت ماندگار و عظیمی که فقط در عیسی مسیح یافت می شود. جان پایپر می گوید:

" ما باید با آتش حضور خدا با آتش شهوت بجنگیم. اگر ما سعی کنیم با تهدید و ممنوعیت ها با آتش شهوت نبرد کنیم، حتی اگر بخواهیم با هشدارهای جدی عیسی درباره این گناه با آن بجنگیم، طعم شکست را خواهیم چشید. با تکیه بر وعده های فراوانی که عیسی درباره شادمانی متعالی که خداوند قادر است به ما ببخشد. ما می توانیم بارقه های کوچک شهوت و لذت های زودگذر را بوسیله آتش رضایت مقدس فرو ببعلیم."

هر که از آب بی اخلاقی و بی عفتی بنوشد سیراب نخواهد شد (یوحنا 4: 13 را مطالعه کنید). آن هایی که از چشمه عیسی می نوشند سیراب هستند. (یوحنا 6: 35) من می توانم تشنگی خود را در عیسی رفع کنم یا می توانم به دنبال آنچه که نیستی است در گناه فرو روم. مابقی زندگی شما عمدتاً بر اساس جواب شما به این سؤال تعیین می شود. که را باور می کنید؟

فصل پنجم

جنگ در ذهن شماست

برّد دانش آموزی بود که داشت خود را برای ورود به دانشکده الهیات آماده می کرد. شبی با همسرش بحثی صورت می گیرد. ناراحت می شود و با ماشین به استارباکس می رود تا کمی فکر کند. خیلی زود برّد شروع به صحبت با زنی جوان می کند. چند ساعت بعد با همان زن به تخت خواب می رود.

برّد با شرمندگی پیش من آمد. "چطور می توانم این موضوع به زنم بگویم؟ آیا می تواند مرا ببخشد؟ خیلی ناگهانی بود. از آسمون پیدایش شد!" ولی واقعاً از آسمان پایین افتاده بود؟ برّد بی وقفه تلاش کرده بود تا وارد دانشکده الهیات شود. برّد پشیمان بود، او همسرش و فرزندانش را مانعی می دید. برّد دیگر با همسرش قرار نمی گذاشت تا بیرون بروند و ارتباط او با همسرش دیگر آن عمق قبلی را نداشت.

قبل از آن واقعه برّد به دیدن مجله های مستهجن رو آورده بود. او فیلم های نامناسب و تحریک کننده ای می دید و بالاخره همه این ها در این زمان وحشتناک به اوج رسیدند و تبدیل به آن واقعه شوم شدند.

واقعیت این است که گناه جنسی از ناکجا آباد بیرون نمی آید. گناه جنسی نتیجه فرآیندی طبیعی است. وقتی که به این مسائل توجه نشود ذهن دچار ناپاکی می شود.

شخصیت فردا از افکار امروز ساخته می شود. وسوسه ممکن است ناگهان بیاید، اما گناه این طور نیست و همین طور بافت

اخلاقی و روحانی ما. هر دو از فرآیندی حاصل می شوند که ما بر آن کنترل داریم.

ما تبدیل به آنچه می شویم که فکر می کنیم. ما عفت جنسی مان را از زنجیره ای از انتخاب ها و اعمال به دست می آوریم. از سرکشی های کوچک و سازش های جزئی. چشم این جا می رود. ذهن آن طرف می دود. چشم ما به هر کجا برود ذهن ما نیز به آن جا خواهد دوید. ذهن ما درست همانند یک صفحه عکاسی هر آنچه ما به آن نشان دهیم را جمع خواهد کرد خواه آن فکر خدایسندانه باشد خواه نباشد ذهن ما آن را جمع و ذخیره خواهد کرد. نبرد در ذهن های ماست.

شهوۛ از کجا می آید

معمولاً کسی که سقوط می کند غافلگیر شده است. آن ها می پرسند " آن از کجا آمد؟" کتاب مقدس جوابی روشن می دهد :

« زیرا از دل است که افکار پلید، قتل، زنا، بی عفتی، سرچشمه می گیرد. » (متی 15: 19)

عیسی به اختصار چنین می گوید:

« شنیده اید که گفته شده، ”زنا مکن.“ اما من به شما می گویم، هر که با شهوت به زنی بنگرد، همان دم در دل خود با او زنا کرده است. » (متی 5: 27-28)

فریسی ها بر ظاهر تأکید بیشتری داشتند. عیسی سطح اخلاقی را بالاتر می برد و می گوید: شهوت تنها منشأی گناه جنسی نیست، بلکه خود گناه است. عیسی فلسفه فریسیان را به چالش می کشد که می گفتند مرد می تواند زن را در ذهنش برهنه کند و پاک بماند.

شهوت با هر چه که ما در ذهن ذخیره کنیم تغذیه می شود و می تواند به آن چنگ بزند. آنچه در مغز ما می گذرد چیزی است که ما اجازه ورود آگاهانه آن را داده ایم. تصاویر ذهنی حاصل آن چیزی است که چشمان ما نظاره کرده یا گوش های ما شنیده یا ترکیبی تخیلی از چنین داده هایی.

این که تبدیل به چگونه شخصی می شویم بستگی به آن دارد که اجازه می دهیم چه چیزی وارد ذهن مان بگردد. وقتی ما کتاب مقدس یا کتابی خوب می خوانیم، یا در جمع هایی که عیسی موضوع بحث است شرکت می کنیم و یا به نیازمندی کمک می کنیم خود را به سمت نیکویی سوق می دهیم.

ضرب المثلی قدیمی درست می گوید: "فکری بکار، عملی درو کن؛ عملی بکار، عادتی درو کن؛ عادتی بکار، شخصیت درو کن؛ شخصیت بکار، سرنوشت را درو کن."

اعمال، عادات، شخصیت و سرنوشت همه با فکری شروع می شوند و افکار ما با آنچه که به ذهن راه می دهیم پرورانده می شود. به همین دلیل است که مهم ترین عضو جنسی مغز شماسست.

آیا شما در حال تغذیه شهوت هستید؟ یا با گرسنگی کشیدن در حال کشتن او هستید؟ قوی تر بودن هر میلی چگونه آشکار می شود؟ میلی که غذای بیشتری به او خوراندید.

تعیین مرزها

برای مصون نگاه داشتن پاکی مان باید مرز هایی ذهنی خاصی برای خود تعریف کنیم. از شماره یک تا ده، به زنا یا اعتیاد به رابطه جنسی نامشروع می توان شماره ده را به آن اختصاص داد. اما سؤال اینجاست که پایین این نمودار یعنی ده های یک، دو و سه را چه چیزی اشغال خواهد کرد؟ وقتی آن ها را تشخیص دهیم می توانیم جلوی فاجعه را بگیریم.

معمولاً می گوییم که پاکی می خواهیم، اما بعد دست به انتخاب هایی می زنیم که پاکی ما را خدشه دار می کند. انتخاب ها با عواقب همراه هستند. اگر عواقبی متفاوت می خواهیم باید انتخاب هایی متفاوت داشته باشیم. شخصی برای من نامه ای فرستاد که در آن نوشته بود :

" به عنوان فردی که با دستان خود سال ها زندگی خود را تخریب کرده ام، معمولاً می توانم در زمان شروع گناهان و رفتارهایی که قادرند عواقب بسیار بزرگتر و بدتری برای افراد داشته باشند به آن ها هشدار هم. خود ارضائی معمولی ممکن است احتیاج به تصمیم گیری قاطعانه برای مبارزه با آن وجود نداشته باشد اما گناه شما را به کجا خواهد رساند؟ آیا نهایتاً رابطه زنا آلود با همسر دوستان ایجاد خواهید کرد؟ یا با یک فاحشه؟ شاید اگر به گناه خود رسیدگی نکنید ده سال پس از این متهم به آزار جنسی کودکان خواهید بود و خبرنگاران با ماشین های شبکه خبر جلوی درب خانه شما پارک می کنند. گناه کم کم زیاد می شود. همیشه به آن ها می گویم: " آنقدر هم بد نیستی اما با این حال لین کار را انجام دادی "

برای 4 سال از در سوپر مارکت محله مان به خاطر چیدمان مجلات رد نمی شدم. بعد ها، نظم من قوت یافت، آنقدر که توانستم چشمان را از آن دور نگاه دارم. اما تا آن موقع من به مرز هایم احترام می گذاشتم. خیلی احساس راحتی نمی کردم، اما این بهایی کوچک برای حفاظت از پاکی من بود.

ما تلویزیون داریم، اما کانال های کابلی نداریم. نه به این خاطر که فکر می کنیم اشتباه است، بلکه به این خاطر که وسوسه ای بیشتر را در خانه نمی خواهیم.

من به شما نمی گویم که باید چه بکنید. مرز برای همه افراد یک جور نیست و از فردی تا فرد دیگر متغیر است. این مرز ممکن است برای فردی رد شدن از جلوی کیوسک مجله فروشی باشد. یا رانندگی نکردن در بخش های خاصی از شهر. یا اجتناب از رفتن به مأموریت کاری.

مرزها کمک می کنند تا وسوسه نتواند ماندگار گردد و ما را محافظت می کند. بر اساس این فرض قبلی است که پاکی جنسی ما نمی تواند قوی تر شود اگر خوراکی که قبلا به او می دادیم دیگر ندهیم. باید عادات خود را تغییر دهیم. ما نگهبانانی هستیم که وظیفه حفاظت از چیزی به شدت استراتژیک را بر عهده دارند. فرمانده ما می گوید:

« دل خویش {ذهن،خود درون} را با مراقبتِ تمام پاس بدار، زیرا سرچشمهٔ امور حیاتی است. » (امثال 4: 23)

" با مراقبتِ تمام " به این معنی است که این امر باید در بالاترین جایگاه وظایف روزانه ما قرار بگیرد. بسیار مهم است

که ما درونمان را از منابع جدید و سوسه دور نگاه داریم. ما باید از مهماتی که در اختیارمان است با دشمن مقابله کنیم. البته، جسم شما می‌طلبد که به آن سوخت تازه ای برسانید. جسم فریاد می‌زند و می‌گوید: "به من غذا بده!" اما شما نمی‌پذیرید و این دعا را تکرار می‌کنید:

«چشمانم را از دیدن بطالت بگردان، و در طریقه‌های خود مرا زنده ساز.» (مزامیر 119: 37)

شما با برگرداندن چشمانتان از تصاویر بیهوده، به بخشی از جواب دعای خود تبدیل می‌شوید (این را در نظر بگیرید که این آیه را به تلویزیون خود بچسبانید.) ما نباید همشکل این دنیا شویم بلکه باید ذهن خود را دگرگون سازیم (رومیان 12: 2) ما باید شهوت را انکار کنیم و مرگ او را اعلام کنیم درست همان وقت که می‌خواهد گریبان ما را بگیرد. (کولسیان 3: 5) ما باید اعلام و تأیید کنیم که خلقتی نو در عیسی هستیم و با حقیقت او پوشانده شده ایم. (کولسیان 5: 17 - 21)

ذهن تقدیس شده شما که با کلام خدا تغذیه و با روح القدس رشد می‌کند از زندگی و افکار شما حفاظت می‌کند. به آنچه که عیسی را راضی می‌کند بله می‌گویید و به آنچه باعث نارضایتی اوست نه!

پر کردن ذهن با افکاری پاک

فقط برای یک لحظه می خواهم کاری که می گویم را انجام دهید. حاضرید؟ خوب... درباره مار فکر نکنید! فکر نکنید! تکرار می کنم! فکر نکنید. درباره مار بزرگ لزجی که از سوراخ فاضلاب حمام شب هنگام بیرون می آید و بر سینه شما در رختخواب چنبره می زند، فکر نکنید.

شنیدید چی گفتم! درباره مار فکر نکنید.

آیا مانع فکر کردن شما درباره مار شدم؟ خیر! من شما را تشویق به فکر کردن درباره آن نمودم.

حالا می خواهیم به دسر مورد علاقه تان فکر کنید. شاید پای آلمانی مادرتان یا بسکوییت شکلاتی یا یک کیک خامه ای. فقط به این خوراک اشتها آور فکر کنید. چه اتفاقی در لحظات آخر افتاد؟ شما آن مار لزج را فراموش کردید و این تا زمانی ادامه دارد که من دوباره درباره آن صحبت کردم.

ذهن ما در خلأ نیست و بالاخره با چیزی پر خواهد شد. افکار ناپاک به وسیله افکار پاک بیرون رانده می شوند و برعکس.

« در پایان، ای برادران، هرآنچه راست است،

هرآنچه والاست، هرآنچه درست است،

هرآنچه پاک است، بدان بیندیشید.» (فیلیپان 8:4)

سخت است که فایل های بد هارد دیسک مغز خود را پاک کنیم، اما می توانیم تعداد فایل های بد را محدود کنیم. بعد می توانیم فایل های خوب بسیاری را بارگذاری کنیم. این همان رابطه علت و معلولی است. هر چه بیشتر ذهن خود را با پاکی

پر کنیم و کمتر با ناپاکی، پاکی ما عظیم تر و مقاومت در برابر وسوسه بیشتر خواهد بود.

« و هر اندیشه‌ای را به اطاعت از مسیح اسیر می‌سازیم. وقتی افکار غلط می‌آیند، آنها را تصحیح می‌کنیم، و آنها را با حقیقت الهی جایگزین می‌کنیم. » (دوم قرنتیان 10: 5)

مارتین لوتر می‌گفت: " شما نمی‌توانید مانع پرواز پرنده‌های بالا سرتان شوید اما می‌توانید مانع لانه کردن آن‌ها بر سر خود شوید. " یعنی ما نمی‌توانیم جلوی دنیا را بگیریم تا تصاویر خود را به سوی ما شلیک نکند. اما می‌توانیم مانع صاحب شدن ذهن خود توسط دنیا شویم. می‌توانیم سریع آن‌ها را تخلیه کنیم.

خود ارضایی با چشمی سرگردان و ذهنی بی‌نظم قوی‌تر عمل می‌کند. با انجام آن ما درد های خود را به ظاهر درمان می‌کنیم. تنهایی، یأس، طردشدگی یا ترس را. اما مسئله‌ای عمیق‌تر از میل وجود دارد. نیاز است مسئله اصلی را مورد توجه قرار دهیم، و از خداوند بخواهیم نیاز هایی که ما را آسیب پذیر می‌کند را رفع کند. اگر بتوانیم با خود حرف بزنیم این کار کمک بزرگی می‌کند. باید با خود گفت: "نگاه کردن به این مجله هیچکدام از مشکلات مرا حل نمی‌کند، بلکه برعکس مشکل بیشتری ایجاد می‌کند، آسیب می‌زند و مرا تنها رها می‌سازد."

ما باید کاری بیشتر از این انجام دهیم. فقط نباید بگوئیم " من خود ارضایی نمی‌کنم!" نیت خوب شهوت را از میان بر

نمی دارد. اگر چشم و ذهن را مراقبت نکنیم ما به عادات قدیمی بر خواهیم گشت.

پیروزی قطعاً ممکن است. امروز با فردی که یک معتاد جنسی بود صحبت می کردم که برای دو سال خود ارضایی را ترک کرده است. اما اگر ما به ذهن خود اجازه دهیم تا آنچه شهوت را بر می انگیزاند وارد شود پیروزی هرگز حاصل نمی شود. رمز موفقیت این برادر در این بود که او ذهن خود را حفاظت کرده بود.

نیاز های دیگر برای حفظ فیزیکی ما الزامی هستند. رابطه جنسی چیز حیاتی نیست. موضوع مرگ و زندگی نیست. (اول قرنیتان 6: 12-13). ما بدون آب و غذا می میریم اما بدون رابطه جنسی نخواهیم مرد. مهم نیست میل به آن چقدر است، رابطه جنسی هرگز اضطراری نیست، هرگز الزام نیست. دوستی به من گفت: "هیچکس در اثر تجمع اسپرم منفجر نشده است!" همین طور که می آموزیم از تغذیه شهوت خود داری کنیم، کم کم در آن مهارت می یابیم. در طول زمان، خواسته های شهوت فشار کمتری را وارد می کنند و می بینیم که می توان آن را مدیریت کرد.

شهوت با ما چه می کند

شهوت یک بی بند و باری ذهنی است. به همین خاطر است که ازدواج مسئله شهوت را حل نمی کند. مردی که به زنان دیگر نگاه می کند کماکان بعد از ازدواج نیز به این کار ادامه می دهد. مردی که خود ارضایی می کند کماکان به این کار ادامه می دهد.

فرد حریص از عکسی به عکس دیگر مراجعه می کند و از شریک جنسی به شریکی دیگر. چنین افرادی حتی اگر با زنی زیبا ازدواج کند باز با خطر اعتیاد به مسائل جنسی رو به رو است. این مرضی مربوط به روح است. اما اگر توبه و تغییری در عمل کرد به وجود نیاید همه این عوامل تشدید می شوند. (من عبارت تغییر را اضافه کردم چون خیلی ها مرتباً توبه می کنند، اما پس از اندکی دوباره به اسارت خود باز می گردند.)

فرد حریص با طنابی به دور گردنش راه می رود. زناکاری است که منتظر شریک جنسیش است تا او را در زنا همراهی کند. آن زن، ممکن است واقعی یا تخیلی باشد، ولی او بالاخره می آید.

برخی عادات و ناپاکی جنسی خود را با عبارت "ارضا کننده نبودن همسرشان" توجیه می کنند. این فکر از کجا سرچشمه می گیرد؟ از رسانه ها ! جایی که مردی خوشتیپ با اندام تراشیده با زنی که با جراحی های پلاستیک مدرن و رژیم های غذایی طاقت فرسا سخت، همدیگر را در آغوش می گیرند. خداوند به دنبال کیفیتی دیگر است. (اول پطرس 3: 3-4 را مطالعه کنید.)

عهد با چشمانتان

ایوب می گوید :

« با چشمان خود عهد بسته‌ام؛ پس چگونه بر دوشیزه‌ای

چشم بدوزم؟ » (ایوب 31: 1)

ایوب بین خود و خدایش عهدی بسته بود تا از قلب خود با حفاظت از چشمانش مراقبت کند. در ادامه این آیات توصیف دقیقی از عواقب پایبند نبودن بر این عهد را می بینیم.

آیا شما با چشمان خود عهد بسته اید، تا از نگاه کردن به چیزی که نباید نگاه کنید اجتناب کنید؟ تا فوراً از آنچه به شهوت ختم می شود بگریزید؟

آیا این عهد پاکی را زمانی که در یک کمپ و یا اردویی هستید نیز تمرین می کنید؟ یا وقتی که ورزش می کنید؟ یا وقتی رانندگی می کنید؟ یا وقتی یک برنامه تلویزیونی انتخاب می کنید؟ یا وقتی در کلیسایید؟

آیا عهد خود را اعلام کرده اید؟ آیا از دیگران تا به حال خواسته اید برای شما دعا کنند و شما را پاسخگو بدانند؟

پاک سازی زهر شهوت

آرسنیک تأثیری تجمعی دارد این بدین معنا که می تواند در بدن جمع می شود. آن شما را می کشد، اما نه یکدفعه. نیاز به مقدار زیادی نیست. کمی اینجا و کمی آنجا و نهایتاً شما می میرید.

بی اخلاقی جنسی (بی عفتی) قاتل زندگی مسیحی و ازدواج های مسیحی است. ما هر روز خود را مسموم می کنیم. هر بار اجازه می دهیم که کمی سم وارد وجودمان گردد. این رمان، آن برنامه تلویزیونی، این فیلم، آن مجله، این تقویم، آن نگاه، نظری منظور دار، گپی دوستانه که کاملاً شبیه داستانی کثیف است.

این آرسنیک روح ما را به تدریج مسموم می کند در آن زمان پس ما احساسی شبیه دیروز نداریم و حتماً با 5 سال پیش بسیار متفاوت شده ایم.

آیا این را باور دارید؟ اگر به این حقیقت ایمان دارید بگویید: "خداوند؛ می دانم این تصاویر جنسی فکر من را مسموم می کنند. به من حکمت و عزمی ببخش تا از آن ها رو برگردانم. من را به آن سو برگردان که تو را راضی می کند."

به مرور زمان، با خوردن و نوشیدن خوراکی های درست، شما می توانید آرسنیک را از بدن خود دفع کنید. اما بهبود کامل پیدا نمی کنید اگر بدن خود را از آرسنیک های جدید دور نگاه ندارید.

اگر واقعاً بدانید چیزی سمی است و برای مدتی کافی از آن اجتناب کنید، اتفاقی شگفت انگیزی رخ می دهد و آن این است که میل و عطش شما برای دریافت آن کاهش می یابد. در نتیجه سلامت به شما بر می گردد. در کتاب رومیان باب 7 در مورد شدت تأثیری که امیال غلط می توانند بر ما داشته باشد به وضوح صحبت می کند. بسیاری از افراد بعد از مدتی طولانی توانستند پیروزی را کسب کنند. آزادی از سال های ملال آور اعتیاد به رابطه جنسی و شهوت.

برای سالها باور داشتم تصاویر اروتیک در تلویزیون و فیلم ها سمی هستند. ولی با این حال هنوز مایلیم به آن ها نگاه کنم، اما آن میل با غریزه و عادت رو برگرداندن تضعیف شده است. هر چه می خواهید اسم آن را بگذارید، اما روی برگرداندن تبدیل به عادتی عمیق و مستمر گشته است. هنوز بعضی وقت ها شکست می خورم، اما شکستم به شدت سال های پیش نیست. ما با

عادات خود ساخته می شویم و روح خداوند می تواند ما را قدرت
ببخشد تا عادات جدیدی بسازیم.

با انتخاب روی برگرداندن از وسوسه جنسی، با عهد بستن با
چشمانم و با فیض قوت بخش خدا، من راه حیات و برکت را بر
می گزینم. وقتی به وسوسه نه می گویم این به این معنی است
که به خداوند بله می گویم. خداوند راضی و جلال یافته است.
و هیچ کس از کار من به اندازه خودم سود نمی برد.

فصل ششم

استراتژی خردمندانه

کسی را تصور کنید که ضعفش خوردن افراطی کیک باشد. پزشکش به او می گوید: "دیگر کیک نخور!" او با خداوند سوگند یاد می کند: "خوردن کیک دیگر تمام شد!" به خانواده قول می دهد "دیگر خبری از کیک نیست!" او با کلیسا تماس می گیرد و می گیو که برایش در دعا باشند او حتی به جمع های کلیسایی ترک خوردن کیک می رود تا روح کیک خوردن را از خود اخراج کند. این کسی است که جدی و ثابت قدم است، درست است؟

اما او بعد از این اقدامات چه می کند؟ خوب اگر او مثل خیلی از ما باشد، درباره خوردن کیک می خواند، به موسیقی کیک خوری گوش می دهد و برنامه های آشپزی طرز تهیه کیک را تماشا می کند. او زمان خود را با دوست داران کیک می گذراند و درباره خوردن کیک در محل کار شوخی می کند، جایی که به عکس کیک بر وری مجله ای چاپ شده نگاه می کند. در روزنامه به دنبال کوپن کیک می گردد و مشترک مجله کیک دیزایر می شود، مجله ای با عکس هایی براق!

زمان زیادی طول نمی کشد که سر راه دفترش اتفاقی از کنار کیک فروشی می گذرد. پنجره را پایین می دهد و نفس می کشد. خیلی زود روزنامه را از ردیف دست راست که بیرون مغازه کیک فروشی است می خرد. آنقدر آن جا وقت می گذراند تا نگاهی به کیک ها بیاندازد.

بعد به یاد می آورد، که باید تماسی بگیرد، و از قضا مغازه کیک فروشی تلفن سکه ای دارد و این همان زمان است که با خود می گوید، چرا یک فنجان قهوه نخورد؟ حالا به یاد داشته باشید که این مرد قصد نداشت که عهد خود را بشکند و لب به کیک بزند اما نتیجه کاملاً قابل پیش بینی و اجتناب ناپذیر می گردد. و این نتیجه چیست؟ این است که او تسلیم می شود و کیک را می خورد و می خورد!

و فکر می کنم بعد می شود این آه و ناله را شنید، "چی شد؟ دعا کردم! از دیگران خواستم دعا کنند. از خدا خواستم آزادم کند. چرا باید سعی کنم؟ تسلیم می شوم!" اما اگر تو بهترین را انجام می دادی باز وضعیت همین گونه بود؟

اولین و اساسی ترین استراتژی

اگر هیچ چیز از داستان کیک بالا یاد نگیریم باید این را یاد بگیریم که نیت خالصانه و حتی دعا به تنهایی کافی نیست. برای پیروزی بر وسوسه، ما باید هدف مشخص و استراتژی منطقی داشته باشیم و باید ساعیانۀ آنها را اجرا کنیم. اولین خط دفاعی ما در مقابل ناپاکی چیست؟ «از بی عفتی بگریزد.» (اول قرنیتان 6: 18)

وقتی نوبت به وسوسه جنسی می رسد، بزدل بودن نتیجه می دهد. آنکس که دو دل است (و استدلال می کند) شکست می خورد ولی آنکه فرار می کند، زنده می ماند. کتاب مقدس موکداً می گوید :

« به راه شریان پا مگذار و در طریق بدکاران
گام مزن. از آن دوری کن و در آن ره مسپار؛
از آن، روی بگردان و به راه
خویش رو. » (مزامیر 4 : 14-15)

یوسف این را در ارتباط با همسر فوتیفار نشان می ده:

« و با اینکه او هر روز با یوسف چنین سخن می گفت،
به او گوش نمی گرفت تا با او بخوابد یا با او باشد. اما روزی،
چون یوسف به خانه درآمد تا به کار خویش بپردازد
و از اهل خانه کسی آنجا در خانه نبود، همسر
فوتیفار جامه وی را گرفت و گفت:
«با من همبستر شو!» ولی یوسف جامه
خویش را در دست او وا گذاشت و
گریخت و بیرون رفت. » (پیدایش 39 : 12-13)

یوسف نه تنها از رفتن به تختخواب با او خودداری می کند
بلکه از با او بودن نیز دوری می کند. وقتی نهایتاً آن زن خود را
به سمت یوسف پرت کرد یوسف نماند و فرار کرد. نمانید و
تلاش نکنید تا در برابر وسوسه مقاومت کنید، وقتی فرصتی پیدا
کردید فرار کنید. اگر رژیم دارید از خوردن کیک دوری کنید.
فاصله خود را با آن حفظ کنید. اگر به فرزندان خود بگویید: " در
بزرگراه بازی نکنید!" از آن ها چه انتظاری خواهید داشت؟ تا
بروند در بزرگراه، روی جدول ها راه روند، از گارد بزرگراه بالا
روند و پاهای خود را آویزان کنند یا کنار خط سفید شانه جاده
برقصند؟

مسلمان نه! این یعنی بازی با آتش! ممکن است آن ها بگویند: "اما ما به بزرگراه نرفتیم!" شاید نرفته باشند ولی اگر ببیند که چقدر می توانید به بزرگراه نزدیک شوند، همان کافی است که در فرصتی مناسب وارد شوند و ماشینی آن ها را زیر بگیرد. به همین خاطر من این سؤال قدیمی را که می پرسد "تا کجا می توانم پیش روم؟" را دوست ندارم. منظورمان از این سؤال چیست؟ چقدر می توانیم بدون گناه کردن نزدیک شوم؟ به من بگو خط کجاست تا انگشت پایم می توانم تا سر خط بروم. کتاب مقدس چیزی متفاوت می گوید:

«از امیال جوانی بگریز، و به همراه آنان که با دلی پاک خداوند را می خوانند، در پی پارسایی و ایمان و محبت و صلح باش.» (دوم تیموتائوس 2: 22)

وقتی شما می گریزید، دیگر بر نمی گردید و بپرسید که آیا: "اینقدر فاصله کافی است؟" روح اطاعت می گوید: "اگر پدرم می گوید خطرناک است پس من از آن دور خواهم ماند. اگر این مرز است، از این مرز 200 متر دورتر می ایستم، نه در دو سانتیمتری آن!" سبقت بجوید و از وسوسه جلوگیری کنید. کسانی که سفر کردن جزو لاینفک شغلی آن ها است با وسوسه های جنسی بسیاری سر و کار دارند. خانه، خانواده و جامعه محدودیت هایی طبیعی ایجاد می کنند که پشت سر گذاشته می شود. ناشناس بودن، تنهایی و اوقات فراغت معمولاً آواری فاجعه انگیز به همراه دارند.

من زنان و مردان مقدسی را می شناسم که مرتباً در سفر هستند و یکی بعد از دیگر پیروزی های اخلاقی خود را جشن

می گیرند. اما خادمینی را می شناسم که مسیری پر از شکست را طی می کنند. آن ها باید از سفر کردن دست بکشند. حتی اگر از در آمد آن ها کاسته می شود.

در کنفرانسی از مردان پرسیدم که چه کسانی زیاد سفر می کنند؟ لطفاً بایستند و آنچه در مقابله با این وسوسه کار آمد بوده را با دیگران قسمت کنند. برادری گفت که برای سال ها در اتاق هتل فیلم های غیر اخلاقی نگاه می کرد. بعد از بارها شکست آخر تصمیم گرفت کاری کند. او گفت :

"هر وقت به هتلی وارد می شوم، از آن ها می خواهم تلویزیون را از اتاقم بردارند. بدون استثنا طوری به من نگاه می کنند که انگار دیوانه ام!" اما قربان، نیازی نیست آن را روشن کنید!" از آنجایی که من مشتری هستم و پول داده ام با احترام پافشاری می کنم و یک بار هم ممانعتی نبوده است. بی اخلاقی دکه ای نیست که بزنی و بتوانی فرار کنی. من به خداوند این گونه می گویم: "خداوند، من جدی هستم!" این کار را برای سالها انجام داده ام و این کلید پیروزی من است و بعد از آن همه چیز تغییر کرده است.

این مرد به روشی عالی دست یافت. از وسوسه دور ماندن راحت تر از مقاومت در برابر آن است. زمانی که در اوج قدرت هستید، تصمیمی بگیرید که مانع از تسلط هوس بر شما در مواقع ضعف تان گردد.

زندگی درونی تان را پرورش دهید.

خطری وجود دارد و آن این است که کتابی مثل این کتاب ممکن است به عنوان قانون و اصلاحیه اخلاقی به نظر برسد.

من به خوبی بر این موضوع واقفم که راهنمایی ساده و نصیحت " سعی بیشتر کن!" برای خلاص شدن از چنگال شهوت یا قدرت عمیق عادت‌ی حک شده کافی نیست. فرمول کوتاه و راحتی وجود ندارد.

نمی‌توانم به اندازه کافی بر اهمیت حضور و قوت مسیح قیام کرده در وجود و زندگی شما تأیید کنم. اصلاح خود به تنهایی کافی نیست. ممکن است فواید محدودی داشته باشد اما به احساس عدالت شخصی ختم می‌شود. زندگی مسیحی چیزی فراتر از مدیریت گناهان است. زندگی مسیحی دغدغه‌ای بیش از مدیریت گناهان است. تبدیلی آسمانی و کسب توانمندی است تا زندگی صالحانه‌ای داشته باشیم.

با این حال کلام خدا به ما دستور می‌دهد کارهایی را انجام دهیم و ندهیم. کارهایی که در توان ما است و اغلب برای انجام دادن این اعمال، ابتدا باید قلب ما تبدیل شود. پس باید قدم‌های حکیمانه‌ای بر داریم و بدانیم که فقط قدم‌های شایسته و انجام دادن کار درست احتیاج نیست بلکه الزامی است. نهایتاً پیروزی یا شکست برای کسب و حفظ پاکی در سکوت و بر روی زانوهایمان زمانی که در حضور خداوند هستیم و در زمانی که با همسنگرانمان همکاری می‌کنیم مشغله امروز ما را خسته کرده و تواناییمان را برای شنیدن هشدارها مختل می‌کند. شنیدن هشدارهایی که روح خدا، کلان‌خدا و قوم او به ما می‌دهند. خستگی ما را در برابر آنچه در حال روی دادن است آسیب‌پذیر می‌کند. خود سنجی صحیح " نقاط ضعف و حساس" ما را آشکار می‌کند. این که چه موقعیتی ما را وسوسه می‌کند و بسیاری اوقات ما این را تقصیر خدا می‌دانیم.

زمانی که ما در حضور خداوند سپیری می کنیم سرچشمه ای است که از آن قدوسیت و شادی و نشاط در زندگی ما جاری می شود. به ما یاد آوری می شود که هستیم و به که تعلق داریم. ما شهروند آسمانیم. (فیلیپیان 3: 20 را مطالعه کنید) ما بیگانه و غریبه بر زمینیم " که " مشتاق سرزمینی والاتر و آسمانی هستند. (عبرانیان 11: 13-16 را مطالعه کنید.) ما با ویزای موقت بر زمینیم. وقتی ذهن خود را هر روزه بر آسمان معطوف کنیم، جایی که عیسی آن جاست، او ما را قوت می بخشد تا اعمال طبیعت کهنه را بکشیم. بی عفتی، ناپاکی و شهوت را (کولسیان 3: 1-5)

نقل قول هایی از کلام را به خاطر بسپارید.

عیسی برای پاسخ به وسوسه های شیطان از کتاب مقدس نقل قول می کرد. (متی 4: 2-11 را مطالعه کنید) وقتی زمان دفاع از پاکی می رسد آماده باشید تا شمشیر روح، که کلام خداوند است (افسسیان 6: 17) را از غلاف بیرون بکشید. برای این کار نیاز است که کلام را حفظ کنید:

« کلام تو را در دل خود ذخیره کرده ام، تا به
تو گناه نورزم! » (مزامیر 119: 11)

اصول پاکی شامل دانستن قسمت های مختلفی از کلام می شود. آیاتی که با قلب شما سخن گفته اند را انتخاب کنید. آن ها را بنویسید و با خود همراه داشته باشید. آن ها را به شکلی کاربردی به کار ببرید. وقتی وسوسه می شوید با شیطان وارد

مشاجره شوید. کتاب مقدس جملاتی که بتوانید از آن استفاده کنید را در اختیار شما قرار می دهد. آن ها را حفظ کنید و به کار گیرید.

دعا کنید و تسلیم نشوید

عیسی به شاگردانش یاد داد که: « مدام دعا کنید و تسلیم نشوید» (لوقا 18: 1) اغلب ما بعد از شکست در مبارزه ای به زانو در می آییم. اما نیاز واقعی این است که قبل از شروع مبارزه به زانو بیافتیم. خیلی وقت ها ما با گناه اعلام صلح می کنیم. ما بی عفتی را تحمل می کنیم و به آن اجازه می دهیم قلمروهای بیشتر یا زندگی ما و خانه ما را مال خود کند.

عیسی می گوید: " تسلیم نشوید، برای رسیدن یاری خداوند دعا کنید!" بعضی از خوانندگان در این مورد شکاک خواهند بود چون شنیده اند که " فقط کلام بخوان و دعا کن و این همه چیز را حل می کند!" خیر!، این کار همه چیز را حل نمی کند، بلکه هیچ چیز بدون آن حل نمی شود. عیسی می دانست درباره چه صحبت می کند. یعقوب هم همین طور!

« پس تسلیم خدا باشید. در برابر ابلیس ایستادگی کنید، که از شما خواهد گریخت. » (یعقوب 4: 7)

اگر امکانش وجود نداشت آیا خداوند به شما می گفت که از ناپاکی دوری کنید؟ بسیاری آنقدر طعم شکست را چشیده اند که دیگر فکر می کنند پیروزی غیر ممکن است. آن ها تسلیم شده اند. مطمئن باشید این طور افراد مستقیماً به سمت شکست در

حرکتند اما خداوند ما را قوت می بخشد تا غلبه یابیم و از افرادی الگو برداری کنیم که تجربه پیروزی بر گناه را دارند.

دوستی که در این مبارزه پیروز شده بود به من گفت: "مردم هیچ وقت تغییر نمی کنند مگر اینکه تغییر کردن ضرر کمتری از ماندن در آن وضع داشته باشد!" خیلی از مردان مسیحی اکثراً ناامید شده، شکست خورده، در گروه های ترک اعتیاد جنسی و بهبود یافتن هستند که روشی خوب برای زندگی آن ها محسوب می شود. ده ها هزار نفر وجود دارند که تأییدی هستند بر این مدعا که می شود بر وسوسه جنسی پیروز شد تنها احتیاج است صادقانه داستان آن ها را در کلیسا بشنویم، تا خدا جلال یابد و پیغام امید او به گوش ها برسد.

همین طور، خیلی از مردان غیر مسیحی آزادی چشمگیری را تجربه کرده اند. این آزادی از طریق شرکت در برنامه های غیر مذهبی به نام معتادان جنسی گمنام حاصل شده که از 12 قدم الکلی ها گمنام استفاده می کنند. اگر مردانی که عیسی در زندگی آنها نقشی ندارد چنین قدمی انقلابی برای تغییر برداشته اند (البته با تأیید اصول کتاب مقدسی)، چطور جرأت می کنیم تصور کنیم که روح خدا نمی تواند خیلی بیشتر در ایمانداران عمل کند که در آن ها زندگی می کند و می تواند به آن ها قوت ببخشد؟

اگر کسی بر شقیقه شما اسلحه ای بگذارد و بگوید ماشه را خواهیم کشید اگر به تصاویر مستهجن نگاه کنی، آیا شما آن کار را خواهید کرد؟ خیر! پس شما نباید این کار را انجام دهید، شما خود و چشمانتان را در مکان غلطی هدایت می کنید. اینجا جایی است که باید بیاموزید تا افکار خود را با حقیقت الهی

اصلاح کنید. به انگیزه های اشتباه خود نه بگویید و انگیزه های جدیدی را پرورش دهید.

می توانید تلویزیون را خاموش کنید، بیرون بروید، چشمانتان را ببندید. نیازی نیست روی آن تصویر کلیک کنید. نیازی نیست آن خانم یا آقا را نوازش کنید یا اجازه دهید آن ها شما را نوازش کنند. انتخابی وجود دارد. از منابع فوق طبیعی خود استفاده کنید. (2 پطرس 1: 3-4 را مطالعه کنید.)

« زیرا فیض خدا به ظهور رسیده است، فیضی
که همگان را نجات بخش است و به ما می آموزد
که بی دینی و امیال دنیوی را ترک گفته، با
خوشتنداری و پارسایی و دینداری در این
عصر زیست کنیم. » (تیطوس 2: 11-12)

اینها موضوعاتی عالی از کتاب مقدس هستند: فیض و نجات. چالش های جنسی باید یاد آور نیاز ما به فیض و تقویت ما باشد و ما را مشتاق نجات نهایی کند. (رومیان 7: 25-7)
اگر زندگی پاک برای شما قانع کننده به نظر نمی رسد، خود را وقف برنامه های افزایشی 24 ساعته کنید. آیا از اعمال و اسارت شهوت آزادی می خواهید؟ از دیگران کمک بگیرید. حکیم باشید. از وسوسه دوری کنید. رو به عیسی کنید. روش های کاربردی عیسی را بکار بگیرید. از قوت او استفاده کنید. وقتی 24 ساعت تمام شد، شما خدا را چشیده اید و نیکویی او را دیده اید. (مزامیر 34: 38 را مطالعه کنید) هر باری که یک روز کامل بر عیسی متکی باشید برای 24 ساعت بعدی تعهد بیشتری پیدا می کنید.

هرگز عیسی را دست کم نگیرید. گناه از خداوند قوی تر نیست. هرگز تصور نکنید که قبل از رفتن ما به آسمان پیروز می شویم. خداوند چیز دیگری می گوید. نیاز نیست ما برای پیروزی صبر کنیم. ما باید در پیروزی زندگی کنیم. (اول یوحنا 4:5 را مطالعه کنید.)

فصل هفتم

به طور افراطی عمل نمودن

فرض بگیرید من بگویم: " دختر زیبایی در این آپارتمان زندگی می کند. بیاید برویم از پنجره او را نگاه کنیم که لباس خود را در می آورد، بعد با بالاتنه ای برهنه ژست می گیرد. بعد این دختر و دوست پسرش به تخت می روند و رابطه جنسی آن ها را ببینیم. بیاید گوش بدهیم و بخار گرفتن شیشه را تماشا کنیم! " اما فرض کنید به جای این جملات بگویم: " بچه ها بیاید فیلم تایتانیک رو ببینیم! چون مسیحیان دیدن این فیلم را پیشنهاد می کنند، گروه جوانان کلیسا با هم آن را نگاه می کنند و خیلی ها در خانه شان آن را تماشا کرده اند. " با این حال فیلم حاوی صحنه هایی است که من توصیف کردم.

پس، همین طور که مردان جوان ما با دنبال کردن تصاویر دختران در فیلم شهوت رانی می کنند زنان ما هم آموزش می بینند که چطور می توانند توجه مردی را به خود جلب کنند. چطور چیزی شوکه آور و شرم آور کم کم تبدیل به موردی قابل قبول می گردد؟ چون ما به جای اینکه پشت پنجره همسایه باشیم و مشغول تماشا آن، داریم آن را از صفحه تلویزیون تماشا می کنیم. از نظر ماندگاری این دو موضوع در ذهن و تأثیر آن بر اخلاقیات، تفاوت این دو در چیست؟ با این حال خیلی ها فکر می کنند ،تایتانیک؟ فیلم عادی است! حتی جزو فیلم هایی نیست که برای افراد زیر 18 سال ممنوع باشد.

هر روز مسیحیان بسیاری در سراسر دنیا، از جمله خیلی از رهبران کلیسایی، به تماشای کسانی در تلویزیون می نشینند که

مشغول برهنه شدن هستند. ما نگاهی به بدن افرادی می اندازیم که دست به گناه و زنا می زنند. اعمالی که خدای ما آن را شنیع می خواند. ما تبدیل به چشم چرانانی می گردیم که گناه با نگاهی دزدکی، ما را سرگرم خود کرده است.

بدیهی جلوه دادن شیطان

استراتژی دشمن بر آن است که شیطان را یک پدیده طبیعی جلوه دهد. جوانانی را در نظر بگیرید که درگیر هوس های همجنس گرایانه هستند. تماشای سریال های تلویزیونی که همجنس گرایان با هم زندگی می کنند و به شکلی آشکارا طبیعی به نظر می رسد چه تاثیر بر این جوان ها خواهد داشت؟ خانواده هایی که هرگز تصور این را نمی کنند که پرستار کودک شان با ذهنی کثیف از کودکشان مراقبت کند و هر روز با جستجوی منابع کثیف در اینترنت ذهن آن کودک را نسبت به گناه بی حس می گرداند. نه فقط خود ما، بلکه کودکان ما هم نسبت به گناه بی حس می شوند. چرا تعجب می کنیم وقتی پسرمان باعث بارداری دختری می شود اگر ما به او اجازه داده ایم صدها عمل شنیع را ببیند و هزاران کنایات جنسی زشت را بشنود؟ شاید جواب بدهیم بابا این فقط یه صحنه مستهجن کوچکی است!

فرض بگیرید من به شما خوردن یک شیرینی را پیشنهاد بدهم و بگویم: " کمی فضله موش داخل خمیر افتاده، اما کلاً شیرینی خوبی است. اطلاً متوجه هم نخواهی شد!"

ترس از خدا تنفر از شریر است (امثال 8: 13 را مطالعه کنید). وقتی شیطان ما را سرگرم می کند، چطور می توانیم از او متنفر

باشیم؟ چطور می توانیم پاک باشیم وقتی که خود را با ناپاکی سرگرم می کنیم؟ خداوند به ما هشدار می دهد که از رابطه جنسی نامشروع به شکلی نامناسب سخن نگوییم :

« مباد که در میان شما از بی عفتی یا هر گونه ناپاکی یا شهوت پرستی حتی سخن به میان آید، زیرا اینها شایسته مقدسین نیست. گفتار زشت و بیهوده گویی و سخنان مبتذل نیز به هیچ روی زیبنده نیست؛ به جای آن باید شکرگزاری کرد. » (افسیان 5: 3-4)

آیا می بینید که چطور یک سریال درام یا کمدی مورد در برابر این آیات قد علم می کند؟ سریال های تکراری آخر شب چطور؟ آیا آنها حاوی "سرنخ های بی اخلاقی ذهنی هستند" یا " شوخی های بی ادبانه"؟ اگر ما به برنامه های کمدی آخر شب گوش می دهیم که مونولوگ های با ارجاعات بی عفتانه در آن تنیده شده، آیا ما از خدا می ترسیم و از شیطان متنفریم؟

عیسای رادیکال

کلام عیسی را در نظر داشته باشید:

«شنیده اید که گفته شده، "زنا مکن." اما من به شما می گویم، هر که با شهوت به زنی بنگرد، همان دم در دل خود با او زنا کرده است. اگر چشم راست تو را می لغزاند، آن را به در آر و دور افکن، زیرا تو را بهتر آن است که عضوی از اعضایت نابود گردد تا آن که تمام بدنت به دوزخ افکنده شود و اگر دست

راست تو را می‌لغزاند، آن را قطع کن و دورافکن،
زیرا تو را بهتر آن است که عضوی از اعضایت نابود گردد تا آن که تمام
بدنت به دوزخ افکنده شود.» (متی 5: 27-30)

عیسی چرا چنین تصویر شوکه کننده ای را توصیف می کند؟
باور دارم که او از ما می خواهد قدم هایی انقلابی بر داریم، تا
هر چه لازم است را برای مقابله با وسوسه جنسی انجام دهیم.
حالا، دست و چشم ما دیگر عامل گناه نیستند. مردی کور
هنوز می تواند شهوت ران باشد و کسی که دست ندارد می
تواند دزدی کند. چشم ورودی دسترسی به عفت و بی عفتی
است و دست وسیله انجام عملی نیکو یا گناه است. پس ما باید
از آنچه دست می کند و چشم می بیند محافظت کنیم.
اگر سخنان عیسی را جدی بگیریم، نیاز است که به پاکی
جنسی به نحوی انقلابی و انتحاری فکر کنیم.

آنچه که باید انجام دهیم

مبارز بسیار شدید و خطرات بسیار بالاتر از آن چیزی است که
ما فکر می کنیم و اگر این موضوع را درک کنیم به موضوع
قداست و پاکی جنسی همانند موضوعی عادی نگاه نخواهیم
کرد. پساگر نمی توانید چشم خود را از آن عکس های مبتذل
دور نگاه دارید، بهتر است اصلاً به مغازه فروش محصولات
تصویری (فیلم و سریال) نروید.

"ای بابا! همه به این مغازه ها می روند." بله همه می روند اما
اگر رفتن شما باعث می شود که مرتکب گناه شوید، نباید
بروید. تمام!

آیا افکار شما وقتی با شخص خاصی هستید برای شما مزاحمت ایجاد می کند و شاخ و شانه می کشد؟ از وقت گذراندن با او دست بکشید. آیا نوعی خاصی از موسیقی باعث تحریک جنسی شما می شود؟ از گوش دادن به آن نوع موسیقی دست بکشید. آیا تماس های تلفنی دارید که نباید داشته باشید؟ 900 شماره تلفن ارائه محصولات جنسی را بلاک کنید تا نتوانید به آنها زنگ بزنید.

اگر همه این اقدامات برای شما حکم عصای دست را دارند، مشکلی نیست از هر چه می توانید استفاده کنید تا به شما در راه رفتن کمک کند.

بعضی مردان از طریق تبلیغ لباس های زیر، بلبوردها، زنان در شلوارهای تنگ و نازک، زنان با پیراهن های چاکدار و دامن های کوتاه، رقص ها، فیلم ها، شو های تلویزیونی و تبلیغ انواع آبجو و بیکیینی گرفتار زنای ذهنی می شوند. ضعف بعضی از مردان تبلیغات روز یکشنبه روزنامه یا تقریباً هر مجله ای است.

پس از نگاه کردن اجتناب کنید و دیگر خود را در این موقعیت قرار ندهید!

اگر قرار است از برنامه های تلویزیون خود خلاص شوید تا از پاکی خود محافظت کنید پس این کار را انجام دهید. اگر این به این معنی است که به مسابقات ورزشی به خاطر طرز لباس پوشیدن رقاصان یا هواداران شان نباید بروید، پس نروید. اگر به این معنی است که باید سرخود را پایین بیاندازید و چشمان خود را ببندید خجالت نکشید و این کار را بکنید و یا در خانه بمانید.

به همسر خود از چالش هایتان بگویید. یا اگر مجرد هستید با دوستی امین این موضوع را در میان بگذارید. اگر لازم است به خاطر آن تبلیغ ها روزنامه را به زمین بیاندازید، مشکلی با زمین افتادن آن ها پیش نمی آید. اگر نیاز است همسر شما اول آن را نگاه کند و محتویات نامناسب را از آن خارج کند از او بخواهید این کار را بکند.

سالها پیش شروع به پاره کردن دور انداختن کاور های مجلات راهنمای تلویزیون که تحریک کننده بودند نمودم. زن من این کار را الان زودتر از این که من آن ها را ببینم انجام می دهد. برای کمک های او متشکرم. (البته، برخی از مجلات اصلاً نباید در خانه وارد شوند، از جمله مجلات تبلیغی مربوط به محصولات آرایشی بهداشتی زنان)

رومیان 13: 14 به ما تعلیم می دهد که در پی ارضای امیال نفس خود مباشید. گناه است اگر خود را عمداً در موقعیتی قرار دهیم که مرتکب گناه می شویم. چه می خواهد قسمت لباس های نیمه برهنه باشد، استخر شنا، یا رختکن باشگاه ورزشی باشد. اگر باعث ناراحتی و تحریک شماس است از آن دوری کنید.

امثال زن آواره ای را توصیف می کند که با مردی ابله بعد از تاریکی شب ملاقات می کند. (امثال 7: 8-9 مطالعه کنید). ما باید از افراد، مکان ها و زمینه ای که احتمال ارتکاب گناه را بالا می برد دوری کنیم.

اگر کتاب فروشی خاص، محل قرار یا دوست قدیمی از دبیرستان تان است، از رفتن به آن جا منصرف شوید. اگر کانال های ماهواره ای، اینترنت، شبکه های تلویزیون یا کامپیوتر ها برای شما مشکل آفرین است پس از شر آن ها خلاص شوید.

فقط به هر چیزی که شما را از عیسی دور می کند نه بگویید. به یاد داشته باشید، اگر شما می خواهید نتیجه ای متفاوت حاصل کنید، باید تصمیمات متفاوتی بگیرید.

اگر نمی توانید بدون افکار شهوت آلود به زنانی که در لباس شنا هستند نگاه کنید، پس شما نمی توانید به آنجا بروید. پس به تعطیلات یا جایی که زن ها چنین لباسی می پوشند نروید. اگر به این معنی است که نباید به اسکی روی آب یا تفریحگاه مورد علاقه تان بروید، پس نروید. اگر به این معنی است که به مراسم شام کلیسایی نمی توانید بروید، پس نروید. خیلی افراطی به نظر می رسد؟ نه ؟ آن را با در آوردن چشم یا بریدن دست مقایسه کنید.

وقتی من و خانواده ام قرار بود به تعطیلات تابستانی برویم، به دامادم ایمیل فرستادم و گفتم: " بیا این کار را انجام ندهیم تا وقتی که نمی توانیم چشمانمان را از زنان و لباس های شنا دور نگاه داریم. اگر نمی توانیم نباید برویم." مردان جوان مقدسی وجود دارند و تا جایی که می دانم با این کار موافقت نمی کنند. ما در نبرد برای پاک ماندن با یکدیگر متحد شدیم.

برای خیلی از مرد ها مبارزه بعد از تاریکی سخت تر می شود. روابط نامشروع اینترنتی و خط های تلفنی ترغیب کننده شبانه، امروزه غوغا می کنند. راه حل ممکن است سخت و قانونی سریع الاجرا باشد. از همسر خود دیرتر نخواستید، یا بعد از خوابیدن همسرتان از تلویزیون و اینترنت استفاده نکنید.

اگر شما در حال سقوط هستید از آنچه باعث آزار شماست راحت شوید.

"ولی"

"اما دیگه برنامه تلویزیونی خوبی باقی نمانده!" پس از تماشای تلویزیون دست بکشید. کتاب بخوانید. با افراد صحیح مشارکت داشته باشید.

"اما همه رمان های جدید موضوعات جنسی دارند!" پس رمان های قدیمی را بخوانید. کتاب های غیر داستانی از نویسندگان مسیحی را بخوانید.

"اما من عضو مجله ورزش های آبی هستم ولی آن زمان تبلیغ لباس شنا در این مجله رواج نداشت این اواخر این قسمت را اضافه کرده اند!" پس از عضویت خود انصراف دهید و به آن ها بگویید چرا حق اشتراک خود را پس گرفته اید.

"اما کرایه فیلم بدون صحنه های مستهجن و فحش های رکیک تقریباً غیر ممکن است!" سایت های معرفی فیلم های مسیحی وجود دارند که می توانند برای انتخابی مناسب به شما کمک کنند. همچنین سازمان هایی وجود دارند که فیلم های سانسور شده را ارائه می دهند، نرم افزار و سخت افزارهایی وجود دارند که می توانند صحنه های نامناسب تلویزیون را حذف کنند. اما فرض را بر این قرار می دهیم که فیلم مناسبی وجود ندارد. آن موقع چه؟ من از فیلم های خوب لذت می برم، اما کتاب مقدس به ما دستور نمی دهد که "فیلم نگاه کنیم!" اما دستور می دهد از دل خود محافظت کنیم. مبارزه است و این مبارزه ای خونین است. هر کاری می توانید بکنید تا در پاکی قدم بردارید!

دوستی با خود قرار گذاشت که هر روز از خود بپرسد: "آیا هر کاری می کنی تا نجابت جنسیت را حفظ کنی؟ آیا از خدا

کمک می خواهی؟ آیا کمک دیگران را طلب می کنی؟ آیا به جلسات کلیسایی می روی؟ آیا کتب ادبی می خوانی؟ آیا مرزی قرار داده ای و به آن ها پایبندی؟ آیا به شدت صادق هستی؟

"اما این سؤالات خیلی افراطی است؟ یعنی تو می گویی از محصولات فرهنگ دست بکشیم؟ سخنان تو بسیار افراطی است"

نه، حرف من اصلاً شدید و تند نیست. اگر این کارها شما را از وسوسه جنسی محافظت می کند، پس بهتر از در آوردن چشم و بریدن دستتان است. این حرکتی افراطی است!

دعا کرده ام: " که خداوندا! قبل از اینکه به زنا خیانت کنم و دست به زنا بزنم، لطفاً مرا بکش!" من این دعا را از بیل برای شنیدم و می دانستم جدی می گوید. من هم جدی می گفتم. خیلی ها ادعا می کنند در مورد پاکی جدی هستند، اما می گویند: "هرگز؛ من از شبکه های کابلی دست نمی کشم!" نمی گذارم زنا رمز عبور کامپیوترم را بفهمد!"

پیروان عیسی شکنجه را تحمل کردند و زندگی خود را برای اطاعت از او دادند و ما برای داشتن شبکه های کابلی شکایت می کنیم؟

وقتی عیسی از ما خواست صلیب مان را برداریم و به دنبال او رویم (متی 10 : 38 را مطالعه کنید) آیا این به معنی فداکاری بیشتر، از محدود کردن اینترنت محسوب نمی شود؟

چقدر وقف مبارزه برای حفظ پاکی تان هستید؟ چقدر خواهان پیروزی بر گناهید؟ چقدر برای خداوند خود انقلابی عمل می کنید؟ چقدر شادی و آرامشی که در عیسی یافت می شود را طالب هستید؟ پاکی فقط برای آنانی است که آن را می خواهند.

کنترل اینترنت

از خدمات اینترنتی مناسب خانواده استفاده کنید. نرم افزار های مخصوص فیلترینگ سایت های مستهجن را بر کامپیوتر خود نصب کنید هر چند جلوی همه این مسائل را نمی گیرد. از کسی دیگری بخواهید که کلمه عبور شما را بداند. از کسی بخواهید که مرتباً آرشیو مرورگر شما را چک کند تا تأیید کند که در قدم های خود با خداوند استوار هستید و آن ها را به خطر نمی اندازید.

کامپیوتر را به پذیرایی خانه انتقال دهید. مگر اینکه سابقه استفاده پاک از اینترنت را داشته باشید. اگر در خانه تنها هستید از اینترنت استفاده نکنید. همیشه مطمئن باشید که صفحه کامپیوتر به سمت دری باز باشد، طوری که مابقی بتوانند ببینند شما چه را تماشا می کنید. (اول قرنهای 10 : 13 را مطالعه کنید.) منابع عملی برای مسئولیت پذیری اینترنتی را بررسی کنید.

اگر هنوز در این مبارزه شکست می خورید، اینترنت را قطع کنید. اگر کافی نیست کامپیوترتان را جمع کنید.

مسئولیت تلویزیون را قبول کنید.

برنامه ای منظم داشته باشید تا شبکه و برنامه مناسب را انتخاب کنید. گشتن در کانال ها و سوسه انگیز است. تلویزیون خود را از برق بکشید. آن را در کمد بگذارید، یا در گاراژ تا از گشتن های بی هدف و زیر پا گذاشتن عهدتان جلوگیری کنید.

در استفاده از دکمه "خاموش" آزاد باشید. از کنترل تلویزیون در زمانی که صحنه ای وسوسه انگیز می آید سریعاً استفاده کنید. کانالی امن را داشته باشید تا به آن بازگردید.

به کودکان اجازه ندهید تا برنامه تلویزیونی خود را انتخاب کنند. همین طور که بزرگتر می شوند می توانند انتخاب های آزادانه تری داشته باشند، اما خانواده حق و تو دارد. از داشتن چند تلویزیون خودداری کنید که باعث جدا شدن خانواده و تنها رها شدن کودکان می شود. از تلویزیون به عنوان پرستار بچه استفاده نکنید.

برای هر ساعت تماشای تلویزیون یک ساعت کلام یا ادبیات مسیحی بخوانید یا در خدمتی شرکت کنید. حتی وقتی که تلویزیون بد نباشد ما را از آنچه بهتر است دور نگاه می دارد.

شبکه های کابلی، دیش ماهواره و یا تلویزیون را رها کنید. اگر این وسائل زندگی گناه آلود را به خانه شما وارد می کنند. (این شریعت گرایی نیست، بلکه نظم است.)

در فواصلی معین از تلویزیون برای یک هفته یا یک ماه روزه بگیرید. ببیند چه اتفاقی می افتد؟ می ببیند که می توانید برای آنکه که وقت ندارید وقتی بیابید. (از جمله سیراب نمودن عطش تان نسبت به عیسی مسیح.)

فصل هشتم

رهنمود هایی برای افراد مجرد

درصد بسیاری از جمعیت دنیا را افراد مجرد تشکیل می دهند. این شامل افراد جوان و همچنین کسانی که هرگز ازدواج نکرده اند و کسانی که از طریق طلاق یا مرگ همسر مجرد می گردند.

ترکیب بی سابقه اوقات فراغت، پول و حمل و نقل از نظر تاریخی فرصت بسیار مخربی را برای جوانان مهیا نموده است. بین عدم نظارت والدین و زیاد شدن فاصله بین بلوغ و ازدواج عادی جلوه دادن روابط قبل از ازدواج ارتباطی مستقیم وجود دارد. چند لحظه ای فکر کنید. نتیجه بسیار شوکه کننده است و وسوسه برای افراد مجرد بسیار زیاد است، چه جوان و چه مسن! واضح است که اگر کسی زندگی با عفت را می خواهد، باید از استراتژی هایی حکیمانه استفاده کند.

کتاب مقدس علیه قوانین تعیین شده به دست انسان هشدار می دهد قوانینی که باعث ریاضت بدنی می شود اما فاقد ارزش برای مهار تمایلات نفسانی است. (کولسیان 2 : 20 - 23)
اصول و راهنمایی هایی که من به شما ارائه می دهم تنها زمانی ارزشمند هستند که بر طبق کتاب مقدس و حکمت آسمانی باشند. اما لزوماً این اصول ذاتاً حالت شریعت و قانون ندارند. کتاب مقدس بر علیه قوانین ساخته شده بدست انسان هشدار می دهد که " ریاضت بدنی "، اما فاقد مهار تمایلات نفسانی " است (کولسیان 2 : 20 - 23)

راهنمایی که من طرح می کنم در صورتی ارزشمند اگر که کتاب مقدسی و حکیمانه باشد. اما این راهنما به شکلی موروثی شریعتگرا نیستند. کتاب امثال ما را به زندگی حکیمانه ای فرا خوانده، تا زندگی منطقی و خدا پسندانه را تمرین کنیم. به ما گفته شده باید همانند سربازان، ورزشکاران و کشاورزان باشیم. (2 تیموتائوس 2: 3-6 را مطالعه کنید.) هر کدام باید تابع استانداردهای اثبات شده ای باشند. خدا ما را فرا خوانده تا پرهیزگاری را پیشه کنیم که از ثمرات روح است.

مجرد ها باید تا کجا پیش روند؟

خداوند میل جنسی و اشتیاق به آن را آفریده است. وقتی این میل تحریک شود، کم کم اوج می گیرد و بیشتر می شود. این واقعیتی بیولوژیکی است. نوازش یکدیگر به نحوی تحریک کننده ای عشق بازی را در ما افزایش می دهد و عشق بازی مقرر شده تا در رابطه جنسی به اوج خود برسد.

شاید بعضی بگویند چون رابطه جنسی خارج از حیطه ازدواج منع شده، اما عشق بازی که منع نشده و از آن جایی که رابطه جنسی قبل از ازدواج غلط است درگیر شدن در افعالی که ذهن و بدن را به آن سو سوق می دهد نیز غلط است.

این بدان معنی است که مرزی باید قبل از تحریک شدن شخص قرار داده شود. نوازش و هر فعل دیگری که باعث تحریک می گردد، ممنوع است.

وقتی به بدن خود اجازه دادید از آن مرز عبور کند، بدن نه از عهد های مسیحی شماست مطلع است و نه به آن ها اهمیت می دهد. مردها خیلی سریع تر و آسان تر از زن ها تحریک می

شوند. زن ها اغلب فکر می کنند بوسه های طولانی و در آغوش گرفته شدن ها خوب است، اما مرد سریعاً تحریک می شود و می خواهد پیش روی کند. شما باید مطمئن شوید که مرز را به قدری کافی دور قرار داده اید که به راحتی آن را رد نمی کنید.

اگر یکی از شما حتی با لمسی ساده شروع به تحریک شدن می کند، پس هر دوی شما باید عقب بکشید. اگر اینکار را نکنید برگزیده اید که در قایقی باقی بمانید که به سمت آبخاری خروشان در حال حرکت است. کسانی که درگیر تحریک جنسی می شوند نباید از اینکه در نهایت رابطه جنسی برقرار می کنند تعجب کنند. زیرا این نتیجه طبیعی و قابل پیش بینی تصمیمی آن ها است. اگر شما نتیجه ای دیگر می خواهید، تصمیمی دیگر بگیرید. دوستان خود را حکیمانه انتخاب کنید.

« فریب مخورید: «معاشِر بد، اخلاق خوب

را فاسد می سازد.» (اول قرن تیان 15: 33)

طبیعت ما متأثر از محیط اطرافش می باشد. وقتی خود را در اتمسفری مقدس با افرادی مقدس قرار می دهیم، ما از قدوسیت اتمسفر تأثیر می پذیریم. وقتی خود را در اتمسفری نامقدس با افرادی نامقدس قرار می دهیم، گناه ما را تحت تأثیر خود قرار می دهد.

« همنشین حکیمان حکیم گردد، اما رفیق

جاهلان زیان بیند. » (مزامیر 13: 20)

ما تبدیل به کسانی می شویم که با آنها وقت گذرانده ایم.

خداوند می گوید ما انسان ها کم کم تبدیل به " دوستداران لذت بیش از خدا" می شویم. برای همین به ما هشدار می دهد "از آنها دوری جوید." (2 تیموتائوس 3: 4-5 را مطالعه کنید.) قرار ملاقات عاشقانه با یک نفر یک گزینه است نه یک ضرورت. قسمت اعظم وسوسه ها زمانی ایجاد میشود که ما طبق رسم اجتماعی خود مبنی بر پیدا کردن زوجی برای یم جوان و سپس تنها گذاشتن آن ها است عمل می کنیم. چنین عادت هایی بر خلاف فرهنگ عبری و دیگر فرهنگ هاست که از جوانان انتظار دارد در حضور افراد بالغ دیگر با یکدیگر معاشرت داشته باشند.

شما می توانید از دوستی مثبت و مفرح با جنس مخالف لذت ببرید بدون اینکه نیازی باشد که دو نفره تنها باشید. اگر بیشتر به معاشقه تا با کسی بودن علاقه دارید نگاهی به کتاب "I kissed Dating Goodbye" اثر جاشوا هریس را ببیندازید. من و همسرم رهنمود هایی عملی در 16 صفحه برای دختر هایم و جوانانی که مایل به وقت گذراندن با آن ها بوده اند نوشته ایم. من و همسرم نکته به نکته هر دفعه آن را بررسی می کنیم. اگر شما تصمیم گرفتید با کسی وقت بگذرانید، این راهنما ها ممکن است مفید باشند:

- اگر مسیحی هستید، فقط با مسیحیان وقت بگذرانید.
- اگر شما پیرو و متعهد به عیسی مسیح هستید، فقط با پیروان متعهد وقت بگذرانید.

- عیسی تمام بعد از ظهر با شماست. هر جا که بروید و هر چه که بکنید.
- به یاد داشته باشید طرف مقابل برادر یا خواهر شماست، نه معشوقه تان (اول تیموتائوس 5: 1-2)
- گروهی بیرون روید، نه تنها
- بر صحبت کردن تمرکز کنید نه لمس کردن. مکالمه نه ارتباط.
- از روابط سریع یا صمیمیت ناگهانی خود داری کنید.
- برای بعد از ظهرتان برنامه های مشخصی داشته باشید، بدون وقت اضافی.
- همدیگر را غافلگیر نکنید. هرگز تنها نباشید. سر مبل، در ماشین، دیر وقت یا در خانه یا اتاق خواب.
- مسئول حفاظت از پاکی خود باشید.
- تصور کنید خانواده و رهبران کلیسا شما را از پنجره نگاه می کنند. خداوند می بیند. (ارمیا 16 : 17 را مطالعه کنید).
- استاندارد ها خود را بنویسید. هرگز بر شخص دیگری متکی نباشید.
- کاری با شخص مقابل انجام ندهید که نخواهید فردی با همسر آینده شما انجام دهد.
- متوجه "آتش هوس" باشید. از دوستی ها یا نامزدی های طولانی مدت خود داری کنید. وقتی جوانان و خانواده های برای ازدواج توافق کردند صبر کردن بیشتر از نیاز خطرناک است. (اول قرنتیان 7 : 8-9 را مطالعه کنید.)

فصل نهم

راهنمایی برای زوج ها و والدین

ازدواج های بی شماری نابود شده اند وقتی که رابطه ای معمولی در سرکار، مدرسه و حتی کلیسا تبدیل به شیفتگی گذرا شده است.

وقتی با افراد دیگر صحبت می کنید، با آن ها از همسر و فرزندان بگوئید. مراقب باشید به چه فکر می کنید و با چشم و زبان بدنتان چه چیزی را منتقل می کنید. حتی اگر حس نسبت به آن ها دارید و با آن درگیر هستید، مراقب باشید زیرا نمی دانید آن ها چه فکر می کنند.

به خود بگوئید، " این می تواند تبدیل به علاقه و جذابیتی شود که آنچه برای من اهمیت دارد را به خطر بیاندازد. نمی گذارم این اتفاق بیافتد." نیازی نیست دچار سوژن گردید فقط نیاز است هوشیار باشید.

مه ای که شیطان ایجاد می کند را کنار بزنید قبل از اینکه غلیظ شود و شما را خفه کند. از دروغ قبل از اینکه پنجه های خود را به دور گردنتان بیاندازد بگریزید.

ما باید سیستمی از پیش تشخیص دهنده تعبیه کنیم تا خطرات اخلاقی را قبل از غرق شدن ما در شن های روان تشخیص دهد. رابطه ای ممکن است قبل از اینکه تبدیل به رابطه ای جنسی شود مخرب گردد.

پیوند زناشوئی خود را مستحکم تر کنید و از آن محافظت کنید

هر زنا با فریب آغاز می شود و هر فریب با رازی معصومانه. (که نیازی نیست آن را بدانید) اگر شما متأهل هستید، مرتباً رابطه خود با همسران را بسنجید. مراقب پرچم نارضایتی و رابطه جنسی کمرنگ باشید. با هم صحبت کنید. موضوع را حل کنید، حتی اگر دردناک باشد.

نسبت به نیاز های جنسی همسران حساس باشید. به یاد داشته باشید که ازدواج مسئولیت جنسی به همراه دارد. "یکدیگر را محروم نکنید" (اول قرنیتان 7: 5). صادقانه در این باره با یکدیگر ارتباط داشته باشید. نگذارید تلخی ماندگار شود. اگر یکی از شما حس کرد به رابطه جنسی بیشتر یا کمتری احتیاج دارد، زمان های خاصی را مشخص کنید تا هر کدام از شما از خود نپرسد که چه زمانی، زمان درستی است.

با همسر خود بیرون بروید. در برنامه خود جایی برای این کار در نظر بگیرید. سر کار، خود را با خاطرات همسر و فرزندان محاصره کنید. وقتی مسافرتید مرتباً تماس بگیرید.

شدیداً به همسر خود وفادار باشید. از او به خوبی حرف بزنید. مشکلات زندگی زناشوئی تان را با جنس مخالف در میان نگذارید، مگر اینکه خانواده یا رابطه ای حرفه ای با او داشته باشید. حتی آن موقع هم باید مراقب باشید.

با یکدیگر دعا کنید. مراقب سلامت جسمی تان باشید. تا جایی که می توانید برای همسر خود جذاب باشید. با بقیه در

جامعه مطابق با عرف رفتار کنید و در تنهایی با همسر خود عاشقانه رفتار کنید. هرگز بر عکس این روش عمل نکنید.

سخت بکوشید تا همسرتان را وارد دنیای خود کنید. در مورد شغل خود صحبت کنید. در مورد کشمکش ها، نا امیدی ها و نگرانی ها صحبت کنید. به هم گوش دهید. (روزنامه را زمین بگذارید.) دو زندگی جدا از هم زیر یک سقف نداشته باشید. این اولین قدم در رابطه با کسی است که "من و دنیای من را می فهمد"

ازدواج مسیحی هم با دلشکستگی ها، کشمکش ها و خستگی های مشابه ازدواج های دیگر رو به رو است. (اما ما منبعی ماورا الطبیعه داریم که با آن رو به رو شویم.) ازدواج ما می تواند با تلخی، یکنواختی و درد آفت زده شود. این موضوع می تواند ما را نسبت به دروغ های شیطان درباره هیجان و جذابیت یک شخص جدید آسیب پذیر کند. جواب شخص جدید نیست، بلکه تحسین و ارتقای رابطه از شخص قدیمی است.

جذابیت را به همسر خود بازگردانید.

دوستی به ما می گفت که دیگر به زنش حسی نداشت. او خود را وقف دعا کرد تا خداوند زنش را برای او تبدیل به جذابترین زن دنیا کند. در طول یک ماه که از دعا می گذشت پاسخ آن به وضوح داده شد. زن او تغییر نکرد. بلکه او تغییر کرد. بعد از شنیدن این داستان مردی همین کار را کرد و نتیجه ای عاشقانه را تجربه کرد. ازدواج هردوی آن ها احیا شد.

چشمان خود را تعلیم دهید تا از تصاویر تحریک کننده دوری کنند و بر همسرتان تمرکز کنید. وقتی میل جنسی شما فعال

شده است، آن را روی شریک زندگی ان قفل کنید. اشتها می تواند پرورانده شود. بر آنچه تمرکز کنیم امیال ما را شکل می دهد. با انکار اشتهای منحرف و تمرکز بر آنچه که درست است می توان غالب شد. (امثال 5: 19) شما می توانید به آنچه که مناسب است اشتیاق داشته باشید و عشق بورزید.

شریک زندگیتان را ارج نهد و متوجه باشید که ویژگی های او نتیجهٔ سسوار، زاویه دوربین، و جراحی های زیبایی نیست. ویژگی های او ناپدید نخواهد شد، بلکه می ماند و عمیق می شود. چشمان خود را به روی همسران باز کنید و همسران خواستهٔ واقعی قلبی شما خواهد شد.

گاهی اوقات مشکلات ازدواج ما نیاز به کمک خارجی دارد. اگر در این شرایط هستید همین الان کمک بگیرید.

کتاب های مسیحی و دیگر منابع را به عنوان ابزاری برای غنی ساختن ازدواج خود را مورد مطالعه قرار بدید. سازمان هایی هستند که کنفرانس های مفیدی را ارائه می دهند آن ها را بیابید چون می توانند کمک شایانی به قوی تر شدن پیوند ازدواجتان کنند.

با شریک زندگیتان صادق باشید.

یک سال پیش زنی به من گفت که روزی همسرش با گریه پیش او آمد و اعتراف کرد که به همکار خود علاقه مند شده است. او در وسوسه ای دائمی بود و احساس می کرد دارد لغزش می خورد. او خود را وقف عقب کشیدن از هر نوع رابطه ای کرد و از همسرش خواست درکش کند و برای او دعا کند. او آسیب

دیده بود اما حس کرد نیاز است تا بیشتر به شوهرش کمک کند تا اینکه برای خود احساس تأسف کند.

نتیجه چه شد؟ نه تنها او عقب کشید بلکه با کمک همسرش آنها از همیشه به یکدیگر نزدیکتر شدند. او با اشک هایش به من گفت: " دو ماه پیش همسرم ناگهان مرد. اگر آن شب با من صادق نبود، او با آن زن رابطه ای برقرار می کرد و احتمالاً مرا ترک می کرد. او بدون آمادگی می مرد و خدا را ملاقات می کرد و من مابقی زندگی خود را به خاطر رابطه اشتباه با او سرزنش می کردم. اما این اتفاق نیافتاد. آخرین کلمات او به من این بود: "دوستت دارم." و من می دانستم که این حقیقت است. او این را با اعمالش ثابت کرد. من هر روز خدا را شکر می کنم و درباره همسرم با احترام و تحسین فکر می کنم. به خاطر عشق او به خداوند و من که برای صادق بودن درباره کشمکش هایش کافی بود.

شهوت در بستر مخفی کاری رشد و نمو می یابد. هیچ عملی نمی تواند قدرت شهوت را همانند شفاف بودن خشی و بی اثر بسازد. شخصی می گفت: " ما به بیماری خاصی دچار هستیم و آن بیماری بیماری داشتن رازهای عمیق نام دارد. ارتباط صادقانه شوهر و زن آن ها را متحد می سازد، نه دشمن! هر چند در ابتدای بحث در مورد وسوسه های جنسی دردی احساس می شود اما در ادامه آرامش و رشد حاصل می آید.

« پس نزد یکدیگر به گناهان خود اعتراف کنید و برای یکدیگر دعا کنید تا شفا یابید. » (یعقوب 5 : 16)

در حالی که همسران ممکن است از گناه شما مطلع نباشد، اما عمیقاً تحت تأثیر آن قرار بگیرد. اگر آن را اعتراف نکنید، به او دو بار خیانت کرده اید. یک بار با انجام گناه و بار دوم با اجازه ندادن به او برای بخشیدن شما. (البته احتیاج نیست که جزئیات عمل شنیعتان را بیان کنید. بیان واقعیت کفایت می کند.)

شوهران، از همسران تان آن طور که گفتیم کمک بگیرید. زنان، از همسران تان دربارهٔ وسوسه هایش پرسید و پرسید که چگونه می توانید او را در این امر کمک کنید؟ اگر او در این مورد صادق است، خدا را شکر کنید. حکیمانه عمل کنید. بسیاری از زنان دربارهٔ مبارزه ای که مردان در فکرشان با آن درگیرند مطلع نیستند. هرگز پیشنهاد ندهید که شوهرتان به همراه بهترین دوستان برای پیاده روی تنها شوند. اگر توافق کرده اید که از اینترنت استفاده کنید وقتی نزدیک هستید فکر نکنید، که رفتن و خوابیدن مشکلی نیست.

احساس برتری نکنید، چون جایی که او قرار دارد با جایگاه شما تفاوت دارد. آیا هیچ وقت تسلیم تخیلاتی درباره مردان، سریال های عاشقانه یا رمان های مستهجن، یا غیبت و بدگویی شده اید؟ آن را نزد همسران اعتراف کنید. در کنار او به عنوان یک دوست بایستید نه دشمن!

بزرگ کردن فرزندان پاک

بعضی وقت ها فرزندان از گوش دادن به نصیحت های ما سر باز می زنند. به ندرت پیش می آید که این عمل آن ها ما را نگران کند. پسران از پدران خود می آموزند که به رقاص ها، هواداران تیم های ورزشی با لباس های نیمه عریان یا تبلیغات

با زنانی اغوا کننده خیره شوند یا چشمان خود را بر گردانند. دختران هم می فهمند چشمان پدر به کدام سمت می رود. همین طور مادر ها.

بهترین میراثی که می توانیم برای فرزندان مان بر جای بگذاریم ازدواجی پر از محبت، با احساس و روابطی خالص است. کودکان را برای انتخاب و عواقب حکمت و حماقت به همان گونه که در امثال گفته شده آموزش دهید. به آن ها یاد دهید تا دوستدار راستی باشند و از گناه متنفر باشند. (مزامیر 97: 10) به آن ها خویشتن داری را بیاموزید، توانایی برای نه گفتن در زمینه های مختلف باعث ایجاد پاکی جنسی می شود.

والدین باید کنترلی با محبت و مستحکم بر دوستی ها و عادات رسانه ای فرزندان خود داشته باشند. ما باید از داشتن استاندارد های دو گانه خود داری کنیم که می گوید فرزندان نمی توانند برنامه های ناپاک تلویزیونی را نگاه کنند اما خود نگاه کنیم.

از فرزندان خود محافظت کنید. آیا هیچ پدر یا مادری آگاهانه، مجله های مستهجن را در کمد پسرش می گذارد؟ و بعد می گوید: "من به تو اعتماد دارم که نگاه نمی کنی؟" این کاری است که ما آن را انجام می دهیم وقتی که اجازه می دهیم در اتاق خود کامپیوتری شخصی با اتصال به اینترنت داشته باشد.

نیاز است که والدین لباس های خود و فرزندان شان را کنترل کنند. مردان وظیفه دارند که اهمیت این موضوع را برای همسران و دختران خود توضیح دهند. زنان، لطفاً باور کنید. وقتی می گوییم لباس های باز، شلوارک، تاپ یا لباس شنا

نامناسب هستند شما می دانید من دارم در مورد چه موضوعی سخن می گویم.

آموزش جنسی کودکان

هر کودک باید آموزش جنسی دریافت کند. اما سؤالات متعددی پیش می آید : 1- کی؟ 2- کجا؟ 3- از کی؟ این والدین هستند که باید مسائل جنسی را آموزش دهند.

اگر در مورد این موضوعات اطلاعاتی کافی ندارید، خجالت زده نباشید. آن ها را از منابع مناسب پیدا کنید. از رابطه جنسی به عنوان امری بیولوژیکی صحبت کنید. سپس در باره ارزش ها، مسئولیت ها و ازدواج سخن بگویید.

فرزند خود را بشناسید. برای چه آماده و برای چه چیزی آماده نیست. به تمام سؤالات با صداقت جواب دهید. به شکلی مناسب متناسب با سن و سال فرزندان تان. به اندازه ای به فرزندان بگویید که نیاز به دانستن دارد. نه بیشتر و نه کمتر. این کار را به تعویق نیندازید. رفاه و آسایش فرزندان تان در خطر است. اولین صحبت درباره رابطه جنسی را با دختر 15 سالتان که باردار است نداشته باشید.

مثبت باشید. در این باره صحبت کنید که چقدر رابطه جنسی در ازدواج عالی است. از صحبت درباره آنچه که خدا خلق کرده خجل نباشید.

اگر کس دیگری به کودک شما درباره رابطه جنسی آموزش می دهد، دقت کنید و ببینید که دقیقاً چه تعلیمی می دهد. عفت

و پاکدامنی را در خانه آموزش دهید و خود نمونه باشید. اگر خود نمونه نباشید فرزندان تان باید از کجا آن را یاد بگیرند؟

فصل دهم

اعتراف، جوابگویی و سنجش بها

« ولی اگر به گناهان خود اعتراف کنیم، او که
امین و عادل است، گناهان ما را می‌آمرزد و
از هر نادرستی پاکمان می‌سازد. » (اول یوحنا 1: 9)

درست همانند داود که مرتکب قتل و زنا شد ما هم باید مرتباً
خود را تفتیش کنیم برای گناهانمان بی درنگ توبه نمائیم.
(مزامیر 51 را مطالعه کنید.) نباید آن اعتراف را به تعویق
بیاندازیم.

« هر که نافرمانیهای خود را بیوشاند،
کامیاب نخواهد شد، اما هر که آنها را اعتراف
کند و ترک نماید، رحمت خواهد یافت. » (امثال 28: 13)

توبه حقیقی به معنای از میان برداشتن عوامل وسوسه کننده و
تغییر گزینه هایی است که بی جهت ما را در معرض وسوسه و
گناه قرار میدهد. اما من نمی توانم لحظه اول نگاه خود را
کنترل کنم. گاهی واقعاً این جمله درست است. اما اینکه به
ساحلی برویم که زنان بسیاری با لباس شنا آن جا هستند و بعد
بگوئیم : " نمی توام از نظر اول دست بکشم " توجیه کردن
گناهمان است. رفتن به سینما و پائین انداختن سر مان بهتر از
نگاه کردن فیلم است. اما بهتر آن است که آنجا را ترک کنیم و
حکیمانه ترین کار این است که از ابتدا به آنجا نرویم. توبه به

معنی رو برگرداندن از ناپاکی نیست، بلکه دور نگاه داشتن ما از جایی است که باید رو برگردانیم.

اگر شما مجردید و باکره نیستید، شما می توانید خود را به بکارتی ثانویه متعهد کنید و بعد از آن از نظر جنسی پاک باقی بمانید. بخشش به این معنی این نیست که گناهان گذشته تأثیری بر شما نخواهد داشت، اما به این معنی است که شما می توانید امروز تمام آسیب ها آزاد شوید و از برکت پاکی لذت ببرید.

با دیدن عواقب گناه نا امید نشوید. درست است، اما این هم درست است که خداوند پاک و پر فیض است. او از خاکستر زیبایی خلف می کند. مهم نیست ما چه کرده ایم، لحظه ای که توبه می کنیم و بخشش او را می پذیریم، ما می توانیم در کانون اراده خداوند قرار بگیریم.

او پدری است که پسر گمشده اش را در راه برگشت به خانه می بیند و آن قدر از اشتیاق لبریز می شود که :

« هنوز دور بود که پدرش او را دیده، دل بر وی بسوزاند
و شتابان به سویش دویده، در آغوشش کشید
و غرق بوسه اش کرد. » (لوقا 15: 20).

او فیض خود را طوری به ما نشان می دهد که دل ما شادمان می گردد. او ما را پاک می کند و ما را به ظرفی مقدس تبدیل می کند. " ... مفید برای صاحب خانه ... " (دوم تیموتائوس 2: 21 را مطالعه کنید). ما موارد بسیاری را از طریق گناه از دست می دهیم، اما فیض بخشاینده خدا را از دست نمی دهیم.

به دنبال مسئولیت باشید.

عضوی فعال در کلیسای بیداری باشید که در محله شما وجود دارد. (عبرانیان 10 : 25) خود را با افرادی احاطه کنید که معیارها و مقیاس اخلاقی شما را بالا ببرند، نه پایین! (1 قرنیتیان 15: 33 را مطالعه کنید.) از برادری مسن و بالغ تر بخواهید شما را در روش های تقدس کمک و راهنمایی کند.

تنها مانده اید؟ نمی توانید در این مبارزه پیروز شوید؟ از گروهی از دوستان کمک بگیرید. کسی را داشته باشید که بتوانید صبح یا شب برای درخواست دعا به او زنگ بزنید. دوستی دارم که شب یا روز با کسی که مسئولیت کمک و راهنمایی او را پذیرفته تماس می گیرد، بدون توجه به این که وسوسه وجود داشته باشد یا نه. در بسیاری از مواقع تماس می گیرد و توضیح می دهد که در چه شرایطی قرار دارد و چه چیزی الان دارد باعث لغزش او می شود و با پیشی گرفتن از گناه از سقوط خود جلوگیری کرد.

نزدیک به 20 سال پیش، جلسه هیأت شبانی ما آن قدر بزرگ بود که بعضی وقتی بعضی ها دیده نمی شدند و مسئولیتی به آنها سپرده نمی شد. ولی در همان وضعیت من دو به دو همه شبانان را هر هفته ملاقات می کردم و بعد پاسخگوئی در گروه ها را با چهار عضو عادی شروع می کردیم. با آیاتی که حفظ بودیم شروع کردیم و بعد هر نفر به سؤالات کلیدی جواب می داد.

وضعیت شما با خداوند چطور است؟ با شریک زندگی تان؟ فرزندان تان؟ با چه وسوسه هایی روبه رو هستید؟ و چگونه با

آنها رو به رو می شوید؟ چه افکاری در این هفته شما را به چالش کشیده است؟ آیا برای خواندن کلام و دعای منظم وقتی اختصاص داده ای؟ پیغام نجات انجیل را با چه در میان گذاشته ای؟ آیا در جواب های خود دروغی گفته اید؟ چطور می توانیم برای شما دعا و حمایت کنیم؟

افرادی که در این دو کار حضور داشتند اذعان داشتند که این معنادار ترین 90 دقیقه هفته آن ها بوده است. برای اکثر آن ها این اولین باری بود که برادری در عیسی مسیح این سؤالات را از آنها پرسیده است.

اکثراً کسانی که به دام گناه جنسی می افتند فاقد پاسخگوئی جدی و مستقیم هستند. هر چه رهبران مسیحی پررنگ تر شوند به پاسخگوئی بیشتری نیاز دارند که معمولاً این خصیصه در آن ها کمتر دیده می شود.

من، شما، شبانتان، همسر و فرزندان تان باید پاسخگ باشم و نسبت به نتایج عمل کرد خود مسئولیت پذیر باشیم. وقتی گناهی مخفی را دنبال می کنم، آخرین کاری که می خواهم انجام بدهم این است که چون یک مسیحی جدی عمل نمایم. زمانی که پاسخگویی بیشتری دارم بیشتر از گناه دور می شوم.

در یک بعد از ظهر پائیزی من با وسوسه جنسی بسیار قوی روبرو بودم. رهايم نمی کرد. نهایتاً با برادری تماس گرفتم که قرار بود فردا صبح با او صبحانه بخورم. گفتم: "لطفاً برای من دعا کن، و قول بده فردا از من بپرسی امروز چه کردم!" او هم موافقت کرد. لحظه ای که تلفن را گذاشتم، وسوسه ام دیگر رفته بود. چرا؟ دوست دارم بگویم چون من آدم خیلی روحانی

بودم. ولی حقیقت این است که، راهی برای مخفی کردن این موضوع از آن فرد وجود نداشت چون من فردا صبح در هر حال باید این موضوع را به برادرم می گفتم ولی چقدر خوب که مجبور نبودم روز بعد بگویم خراب کردم.

دوست من ناجی اضطراری من بود. این کمک فوری مرا خیلی کمک کرد که مرتکب گناه نشوم و این خیلی بهتر از گزارش هفتگییم به اعضای گروه بود که به آن ها بخواهم بگویم: " خراب کردم!" صداقت در اعتراف بعد از ارتکاب گناه خوب است. اما صداقت در بیان وسوسه خیلی بهتر است.

دوستی که شما در مواقع اضطراری با او تماس می گیرید کیست؟ کسانی که در رابطه با اعتیاد جنسی از دیگران کمک گرفته اند می دانند که شما باید بر دیگرانی که متعهد به پاکی هستند حساب کنید. در این مبارزه به تنهایی پیروز نمی شوید. وقتی معتادی که اسیر گناه است اعتراف می کند " من برای تغییر قدرتی ندارم ... " بعد او می تواند به قدرتی خارج از خودش تکیه کند. خدا بالا تر از همه و همچنین هم سنگری هایش در این مبارزه. برای این مردان، ملاقات هفته ای کافی نیست. ممکن است تماس های تلفنی روزانه و ملاقات های مرتب نیاز باشد. اما امید و کمک برای هر که مایل به دریافت آن باشد وجود دارد. برای افرادی که به جد خواهان آزادی از اسارتشان هستند گروه ها و خدماتی وجود دارد که می توانند به آن ها رجوع کنند.

بهایش را بسنجید.

عواقب رابطه جنسی خارج از محدوده ازدواج بسیار جدی و همیشگی است. خداوند را نا امید کردن، از دست دادن بکارت، می تواند تبدیل به تصویر ذهنی قدرتمندی گردد که تمام زندگی شما را تحت تأثیر خودش قرار دهد و احتمال رابطه جنسی خارج از ازدواج را بیشتر کند که نتیجه اش بارداری ناخواسته و بیماری های آمیزی است.

هر رابطه جنسی قبل از ازدواج بر اساس کتاب مقدس گناه است، اما بارداری گناه نیست. جنین و کودکان موجود در رحم را را مجبور نکنید بهای اشتباه شما را بپردازند. دیگران به شما کمک خواهند کرد و شما خود را از عذاب وجدان به خاطر سقط جنین نجات خواهید داد، اگر فقط بگذارید آن کودک زنده بماند.

سالها پیش من و دوستم الن هلوکا لیستی از عواقب بی اخلاقی های خود تهیه کردیم. لیست نابود کننده بود و آن تأثیر آن لیست برای ما از هر موعظه ای قدرتمندتر بود. هر روزه به خصوص در زمان مسافرت این فهرست را مرتباً می خواندم. مانند چاقویی برنده عمل می کرد که و هیچ توجیهی کارساز نبود این لیست مرا با ترسی الهی آکنده ساخت.

تأثیرات هر دو لیست را با هم ترکیب کردیم. می توانید این لیست را بررسی کنید و آن را شخصی سازی کنید.

زنا چه می کند؟

- نام خداوند را لکه دار می کند.
- مرا مجبور می کند روزی به چهره او نگاه کنم و بگویم چرا؟

- صدماتی غیر قابل جبران به همسر وفادار و بهترین دوستم نانسی می زند.
- صدمه ای دائمی به اعتبار و مرجعیت من نزد دخترانم، کارنا و انجی می زند.
- آبرو ریزی بزرگی برای خانواده ام به بار می آورد.
- به کلیسای خداوند آسیب می زند. به دوستانم و به خصوص کسانی که من به آن ها بشارت داده ام و شاگردان سازی نموده ام.
- از دست دادن تأثیر و اعتبار غیر قابل بازگشت شهادت هایم برای فامیل و دوستان.
- شاد نمودن شیطان و دشمنی با خدا
- احتمال ابتلا به بیماری های مقاربتی و به خطر انداختن نانسی
- از دست دادن احترام خود، بی اعتبار کردن اسمم و یدک کشیدن شرمی تا آخر عمرم.

این نکات تقریباً نیمی از آن لیست است. اگر پیشاپیش عواقب نابود کننده بی عفتی را بسنجیم، از ارتکاب آن اجتناب خواهیم کرد.

سخن آخر

مبارزه ای که می توانیم در آن پیروز شویم

در کتاب J. R. R. Tolkien's The Hobbit هیچکس بیش از اسماغ، ارژدهای غول پیکر شکست ناپذیرتر به نظر نمی رسد. اما بدون این که اسماغ خبر داشته باشد شکافی در زیر شکمش وجود داشت. این برای بارد، شکارچی قهار کافی بود.

بدون اطلاع از ضعفش و با دست کم گرفتن دشمنش، اسماغ در حفظ خود شکست خورد. تیر بارد به زیر شکمش نفوذ کرد و مردم اطراف دریاچه نجات یافتند. داستانی هیجان انگیز با پایانی خوش!

اما وقتی شیطان سر راه مسیحیان قرار می گیرد، پایان تراژیک است. شیطان شکاف ها و جای ضعیف زره ما را می شناسد! هدفگیری او به قصد کشت است.

همان طور که به خودم و برادرانم و خواهرانم در عیسی مسیح نگاه می کنم، عمیقاً نگران می شوم مخصوصاً وقتی که استانداردهای اخلاقی مان را می بینم. چه بسا در بسیاری از مواقع به شدت برای حفظ عفت خود ضعیف عمل نموده ایم. ما آنچه را که به خدای مقدس توهین می کند نگاه می کنیم و با آن سرگرم می شویم. بدین طریق ناپاکی گسترش می یابد و گناه پاورچین پاورچین به محدوده های ما وارد می شود و ما خود را بی دفاع رها می کنیم.

خداوند می خواهد ما را ببخشد و احیا کند و ما را از جاده های مرگ آزاد کند و در مسیر حیات قرار دهد.

زمان آن فرا رسیده که نگاهی عمیق تر به ذهن، کلام، و اعمال مان بیاندازیم. درست مثل جنگجوی یونانی آچیل، قوی ترین ما که ممکن است شکست ناپذیر به نظر برسد با ورود تیر به پاشنه اش می تواند شکست را تجربه کند.

صادقانه و با دقت فکر کنید. آیا قابلیت و گرایش شما نسبت به بی عفتی پاشنه آشیل شماست؟ آیا شکافی در زره شما وجود دارد؟ اگر این طور است، با مطالعه این کتاب به عنوان راهنما روش خوبی را برگزیده اید که محتاطانه عمل کنید. عمل به این توصیه ها ممکن است جان شما را نجات دهد و خانواده تان را از نابودی حفظ کند. ممکن است شما را از دست دادن برکت خداوند در آینده محافظت کند.

کسانی که زندگی و خانواده شان نابود شده است باید در فیض بخشاینده خداوند شادمان باشند. امیدتان را از دست ندهید. کار خداوند با شما هنوز تمام نشده است. صبور باشید، حتی اگر هم اکنون عواقب اعمال گذشته تان را درو می کنید، مراقب باشید زیرا برخی از آن ها متعلق به شما نیستند. به خداوند توکل کنید که در زمان مناسب محصولی عظیم به خاطر عفت و ایمانی که امروز به آن پایبند شدید را برداشت کنید.

« زیرا می دانید که خداوند به هر کس پاداش

همه کارهای نیکش را خواهد داد، خواه غلام

باشد، خواه آزاد. » (افسیان ۸: ۶)

در امنیت راهم را خواهیم پیمود، خداوند نمی خواهد ما هر روز مان را با ترس از سقوطی ناگهانی از دست بدهیم. در رابطه با روش مقاومت در برابر وسوسه جنسی، مردی حکیم می گوید:

« پسر، خردمندی و دوراندیشی را پاس دار
و مگذار از نظرت دور شوند؛
آنها جان تو را حیات خواهند بخشید
و زینت بخش گردن تو خواهند بود.
آنگاه در امنیت راه خواهی پیمود
و پایت نخواهد لغزید.
چون به خواب روی ترسان نخواهی بود
و چون بیارامی، خوابت شیرین خواهد بود.
از بلای ناگهان بیم نخواهی داشت
و نه از هلاکتِ شریران، چون واقع شود.
زیرا خداوند، مایه اطمینان تو خواهد بود
و او پایت را از دام نگاه خواهد داشت.» (مزامیر 3: 21-26)

اگر ما با عیسی هر روزه راه رویم و قلب مان را محافظت
کنیم و بر عهدی که با چشمان مان بستیم پایبند بمانیم، آن
موقع و فقط آن موقع است که می توانیم در "راه امن" قدم
برداریم و بیمی نداشته باشیم.

سؤال آخر

آیا آماده هستید تا این تعهد را اجرا کنید و با تجدید عهد در پاکی زندگی کنید؟ اکنون زمان این عهد است. آن را به تعویق نیندازید زیرا زمان بسیار زود می گذرد.

خداوند جهان را طوری خلق کرده است که به پرهیزگاران پاداش عطا می شود و نا صالحان همیشه تنبیه می شوند. عفت و پاکی انتخابی هوشمندانه است و ناپاکی و بی عفتی حماقت!

« من، یهوه، کاوشگرِ دل و آزماینده افکارم؛

تا به هر کس بر حسب راههایش

و بر وفق ثمره کارهایش سزا دهم.» (ارمیا 17: 10)

آن طور زندگی کنید که مطمئن باشید خداوند روزی به شما خواهد گفت: "آفرین، بر تو خادم نیکو و وفادار!"

وقتی می شنویم که او این کلمات را می گوید، می دانیم همه فداکاری های ما ناچیز بوده است. خداوند را در عفت خود جلال دهید. اگر چنین کنید، شما برکت و پاداش او را نه فقط امروز و فردا، بلکه برای ده سال آینده و تا ابدالابد تجربه خواهید کرد. اگر امروز بذر پاکی را بکاریم، پر ثمرترین محصول را برداشت خواهیم نمود و به فیض خدا، به زندگی مان با پشیمانی نگاه نخواهیم کرد، بلکه با ستایشی شادمانه.

درباره نویسنده

رندی الکورن بنیان گذار سازمان (E.P.M) است. سازمان خیریه ای که خود را وقف تعلیم اصول کلام خدا و حمایت از کلیسا برای بشارت به افرادی نموده که هنوز پیغام نجات به آن ها نرسیده است. فقیران، کودکان متولد نشده، افراد بی سواد، افراد محروم و بدون حمایت در سراسر دنیا. تمرکز سازمان آن ها بر انتقال اطلاعات و اهمیت استفاده از زمان، زندگی، پول، شغل و فرصت های مناسب برای سرمایه گذاری برای نیازمندان است. خدماتی که تأثیرش تا به ابد برای ما باقی می ماند. او این هدف خود را از طریق تعلیم و استفاده کاربردی از حقایق کتاب مقدس محقق می سازد.

رندی 14 سال پیش از تأسیس این سازمان در سال 1990 به عنوان شبان خدمت نموده است. او در الهیات و آموزش های کتاب مقدس دارای مدارک مختلف از دانشگاه Multnomah است.

رندی نویسنده بیش از 40 کتاب است که از میان آن ها می توان به پرفروشترین آن ها یعنی Courageous, Heaven, The Treasure Principle اشاره کرد. کتاب او برنده جایزه مدال طلایی به نام Safely Home شده است. بیش از 7 میلیون نسخه از کتاب های او به چاپ رسیدند و به بیش از سی زبان دنیا ترجمه شده اند. او مهمان برنامه های مختلف تلویزیونی و رادیویی بوده و نویسنده صد ها مقاله برای مجلات مختلف است. رندی در

گرشام اورگون با همسرش نانسی زندگی می کند. آن ها دو دختر متأهل به نام های کارینا و آنجلا دارند و پدر بزرگ و مادر بزرگ 5 نوه هستند.